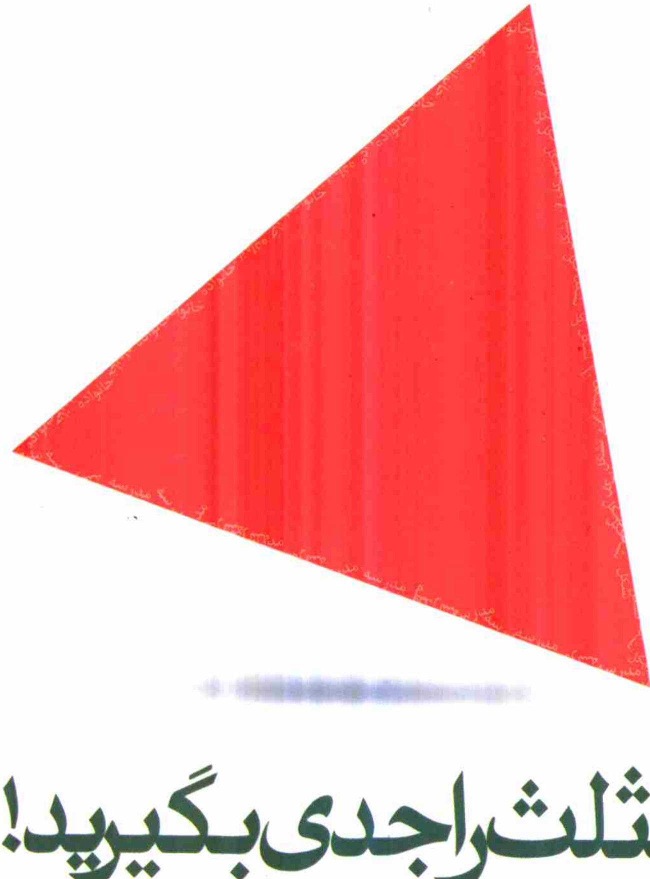


مثلث را جدی بگیرید!

سیدمصطفی هاشمی محجوب

بسم الله الرحمن الرحیم

مثلث را جدّی بگیرید...!

سید مصطفی هاشمی محجوب

مشهد، ۱۳۸۹

سرشناسه: هاشمی محجوب، مصطفی
عنوان و نام پدیدآور: مثلث را جدی بگیرید/ مصطفی هاشمی‌محجوب.
مشخصات نشر: مشهد: ملک اعظم، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری: ا‌ج (بدون شماره‌گذاری).:جدول.
شابک: ۱-۰۱-۶۱۲۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: تربیت خانوادگی (اسلام)
موضوع: والدین و نوجوانان— جنبه‌های مذهبی— اسلام
رده بندی کنگره: ۲۵۳/۴BP/ ۲۰م۲ ۱۳۸۹
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۴۴
شماره کتابشناسی ملی: ۶۷۹۷۰۲۲
تاریخ درخواست: ۱۳۸۹/۱۰/۰۶
تاریخ پاسخگویی: ۱۳۸۹/۱۰/۱۴
کد پیگیری: ۲۲۰۷۵۴۵

انتشارات مُلک اعظم
www.molkeazam.com

مثلث را جدی بگیرید

نوشته: سید مصطفی هاشمی محجوب

ویراستار: محمد خسروی راد

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰ تومان

شابک: ۱-۰۱-۶۱۲۳-۶۰۰-۹۷۸

شمارهٔ پیامک: ۳۰۰۰۷۶۵۰۴۰

پست الکترونیک: info@molkeazam.com

وب‌سایت: www.molkeazam.com

تلفن‌های مرکز فروش برای سراسر کشور: ۰۹۱۵۵۲۱۲۵۴۹ /۰۵۱۱-۷۲۴۶۱۶۹

مشهد مقدس، صندوق پستی: ۴۷۶-۹۱۷۳۵

فهرست

تقدیم به نقطهٔ اوج محبت، دلنشین‌ترین آهنگ عشق، دلسوزترین و مهربانترین مادر دنیا، حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها)

و هدیه به بزرگترین مربی معاصر، روح پر فتوح بنیانگذار انقلاب، حضرت روح الله الموسوی الخمینی(رضوان الله تعالی علیه)

و بهترین شاگردان مکتبش، شهدای عزیز انقلاب و دفاع مقدس.

• مقدمه

شکل گیری مثلث

نهایت آرزوی هر پدر و مادر، خوشبختی فرزند است و والدین با هر دین، مذهب، فرقه و خط و مشی، دوست دارند فرزندی با شخصیت و موفق داشته باشند.

متأسفانه برخی از والدین، این آرزو را فقط در سر می‌پرورانند و جز خیال‌پردازی، کاری انجام نمی‌دهند و غیر از رسیدگی به خورد و خوراک و پوشاک فرزندان خویش، و البته گاهی هم بازی و تفریح با آنان، تلاشی برای تربیت فرزند خویش نمی‌کنند.

بسیار دردآور است، اما باید اعتراف کرد که آمار این‌گونه پدر و مادرهای بی‌خیال در جامعهٔ امروزی، کم نیست و چه بسیارند مادرانی که کتاب‌های زیادی پیرامون آشپزی، خیاطی یا حلّ جدول خوانده‌اند، اما در مورد تربیت فرزند خویش که حقیقتاً آرزوی قلبی خودشان نیز هست، هیچ تلاشی نکرده‌اند

و چه فراوانند پدرهایی که انواع ترفندها و شگردهای کسب درآمد را فرا گرفته، تکنیک های برخورد با مشتری را به خوبی می‌دانند اما از ظرافت‌های برخورد با کودک و نوجوان خویش بی‌اطلاعند.

اسلام عزیز، جایگاه پدر و مادر را غیر از تولید نسل و افزایش آن، در حدّ مأموریتی الهی برای نسل‌ها و انسان‌سازی می‌داند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله‌وسلّم) می‌فرماید: «أكرِموا أولادَكُم وَ أحسِنوا آدابَهُم يُغفَر لَكُم.»

«فرزندان خود را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید که به وسیلهٔ این تربیت آمرزیده می‌شوید.»[1]

دستهٔ دیگری از والدین، کسانی هستند که با سلیقه و برداشت شخصی خود به تربیت فرزندانشان می‌پردازند و از مشورت با صاحب نظران و مربیان تربیتی غافل می‌شوند. این افراد، امر تربیت را مسأله‌ای آسان می‌پندارند و بر اثر بی‌خبری، غرور، یا خودپسندی، دچار اشتباهی بزرگ شده و به دانسته‌های غیرعلمی خود اکتفا می‌کنند و تجربه را در این زمینه، کافی می‌پندارند.

این در حالی است که اگر روشی در تربیت یک فرزند، به دلیل داشتن ویژگی های خاص فردی، مؤثر واقع شد، معلوم نیست در مورد فرزند دیگرمان که دارای مشخصه های ذاتی و روحیات متفاوت شخصیتی است نیز مفید باشد، و این مطلب نیازمند آگاهی از شیوه‌های مختلف تربیتی یا مشورت با اهل فن است.

این‌جاست که نیاز به مربی تربیتی احساس می‌شود و عده‌ای بر اساس وظیفهٔ دینی خویش، پا در این عرصهٔ پرزحمت گذاشته و پس از کسب مهارت های لازم به یاری والدین شتافته و در مسیر ساخت جامعه‌ای سالم به تربیت افراد جامعه همت می‌گمارند.

۱- میزان الحکمه: ۱/۱۰۰

فرهنگ غنیّ تشیّع که برگرفته از آیات نورانی قرآن کریم و تفسیر عملی و گفتاری پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله و سلّم) و اهل بیت پاک و مطهر ایشان است، نه‌تنها والدین، بلکه همهٔ افراد را موظف به داشتن نگرانی تربیتی دانسته، از همگان می‌خواهد برای رسیدن به رشد و تعالی سایر افراد جامعهٔ خویش و نسل‌های پس از خود، دغدغهٔ دینی داشته باشند و به اندازهٔ بضاعت خویش، کاری انجام دهند. البته در این زمینه راهکارهای تربیتی و شیوه‌های مؤثر فرهنگی نیز از سوی دین و مذهب بیان شده است که اگر دقت کنیم این همه آیات و روایات و پندها و حکمت‌ها، نسخه‌ای کامل در مورد مسایل روانشناسی تربیتی و فرهنگی است که ما را از نسخه‌های تقلیدی غربی آن بی‌نیاز می‌کند.

هرچند اگر بیان‌های جدید هم مطابق با این نسخهٔ اصلی و آسمانی باشند مفید و قابل استفاده هستند.

امام صادق (سلام الله علیه) فرمودند: «أیُّما ناشٍ نَشَاءَ فی قومِهِ ثُمَّ لم یُؤدَّب علی معصیتِهِ کانَ اللهُ عزَّ و جَلَّ اوّلَ ما یُعاقِبُهُم فیهِ أن یَنقُصَ مِن أرزاقِهِم.»

«هر نوجوانی که در میان مردمش رشد کند و برای ارتکاب گناهی تأدیب و تنبیه نشود، نخستین کیفری که خداوند عز و جل به سبب او آن مردم را می‌دهد، کاستن از روزی ایشان است.»[۲]

بنابر این، اگر بخواهیم دنیایی داشته باشیم پر از عدل و انصاف و با مردمانی باشخصیت، باید خود، آن را بسازیم و برای این مهم، همتی عمومی، بینشی مطلوب و پرهیز از وسوسه‌های سست‌کننده شیطانی لازم است.

ممکن است کسی بگوید: مگر ما چه می‌توانیم انجام دهیم وقتی این همه تبلیغات و فسادهای رسانه‌ای ذهن کودکان و نوجوانان و بزرگسالان ما را به

۲- ثواب الأعمال:۱/۲۶۶

ابتذال کشیده است؟

در جواب باید گفت:

اولاً: آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

اگر شما با منظرهٔ غرق شدن یک کشتی بزرگ که دارای سرنشینان بسیاری بوده است، مواجه شوید در حالی که فقط یک قایق کوچک دو نفره داشته باشید، چه می‌کنید؟ آیا با خونسردی کنار ساحل نشسته به تماشای این منظرهٔ دلخراش می‌نشینید و فقط چند قطره اشک برای غرق‌شدگان بیچاره می‌ریزید و می‌گویید: خوب یک نفر که فایده ندارد و من هم که توانایی نجات همهٔ آنها را ندارم پس بهتر است کاری انجام ندهم؟! یا این‌که تمام نیروی خود را برای نجات حتی یک نفر از افراد کشتی، جمع کرده، سعی می‌کنید هر کاری که از دستتان برمی‌آید انجام دهید؟

اگر استفاده نادرست بشریت از تکنولوژی، باعث رواج فساد در جامعه شده باشد آیا نجات و هدایت حتی یک نفر هم از دست شما بر نمی‌آید؟ فقط فرزند خود، فقط همسر خود، فقط خانوادهٔ خود، فقط خواهر یا برادر خود و فقط دوست خود را نجات دهید و اگر این هم ممکن نیست، فقط خود را نجات داده، خوب زندگی کنید که اگر هر کسی خودش خوب باشد، دنیا گلستان می‌شود و چه بسا این خوب زیستن، باعث تغییر مسیر دیگران نیز بشود.

دوماً: رسانه در صورتی می‌تواند در شکل دهی شخصیتی فرزندان ما تأثیر بگذارد که سایر مؤثرین یعنی خانواده، مدرسه و مربیان تربیتی، خود را کنار کشیده باشند که اگر آنها فعال باشند، می‌توانند حتی برداشت نسل‌ها را از رسانه، جهت‌دهی کرده، استفاده از آن را کنترل کنند.

به نظر نگارنده، سه گروه بیشترین تأثیر تربیتی را بر رشد و شکل‌گیری شخصیت افراد می‌گذارند که این سه گروه در واقع سه ضلع یک مثلث تربیتی هستند که عبارتند از: «خانواده، مدرسه، تشکّل.»

در این نوشتار، سعی شده است به والدین عزیز، معلمان و مدیران زحمتکش مدارس، مربیان تربیتی و مدیران فرهنگی تشـکل‌های دینی، یادآوری شود که چقدر می‌توانند در مسـیر یک هدف بزرگ و جهانی، یعنی سـاخت جامعه‌ای پـاک، گام بردارنـد و هر کدام در این وادی، چه وظایفی به عهده داشـته، چه مهارت‌هایی را باید کسب کنند.

این وظیفهٔ هر سه ضلع مثلث است که «مثلث را جدی بگیرند» و علاوه بر بـالا بردن آگاهی و مهارت خویش، در افزایش ارتباط با یکدیگر بکوشـند تا به این وسیله، جهانی آمادهٔ ظهور و فرزندانی با شخصیت دینی تربیت کنند.

انشاءالله

سید مصطفی هاشمی محجوب

۱۳۸۸ / ۳ /۲۴

•فصل اول

خانواده

کشور کوچک

خانواده مهم‌ترین بخش هر جامعه اسـت که بیشترین تأثیر را بر رشد افراد می‌گـذارد. مهم‌ترین عناصرتأثیرگذار در خانواده یعنـی والدین، از طریق ارایه الگوهـا، معیارها، پاداش‌ها و تنبیه‌ها، بیشـترین نقش را در شـکل‌گیری ابعاد شـخصیتی یک انسان، ایفا می‌کنند. روان شناسـان عموماً معتقدند در دوران کودکی، نقش خانواده از رسـانه، دوستان و مدرسه نیز بیشتر است هرچند این مسأله با رسیدن افراد به دورهٔ نوجوانی کمتر می‌شود.

مادران خودخواه

امروزه بسـیاری از مردم با پدیده کمبود عاطفه‌ای که ناشـی از نقص‌های تربیتی دوران کودکی یا نوجوانی اسـت روبه رو بوده و دچار مشـکلات و حتی

در برخی موارد بیماری‌های روحی، روانی و عاطفی هستند که ریشهٔ آن در بسیاری از موارد، شاغل بودن هم‌زمان پدر و مادر در حساس‌ترین دوره‌های تربیتی فرزند و زمان اوج نیاز او به محبت آن دو است.

بر اثر یک فرآیند اجتماعی عمومی و با شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، کودکان امروز با پدیده‌ای دردآور رو به رو می‌شوند و آن این واقعیت تلخ است که بخش زیادی از طول روز را به تنهایی در خانه‌ای بزرگ و با انواع امکانات رفاهی بدون حضور پدر و مادر می‌گذرانند و در برخی موارد، از این تنهایی به افراد خیالی و ساخته شده در عوالم کودکی خود پناه می‌برند که البته گاهی این دوست خیالی، دستورات خطرناکی را نیز صادر کرده و مشکلات بسیار جدی و دردناکی به بار می‌آورد. در هفت سال اول زندگی، که کودکان به دنبال کسب تجربه هستند و اشتیاق بیشتری به فهمیدن و یادگیری دارند، حضور دائمی مادر در کنار آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مشاهده مهربانی‌ها، لمس نمودن مراقبت‌ها و نگرانی‌های مادر می‌تواند به کودک این پیام را برساند که در این دنیای متنوع، تنها و بی یاور نیست و اگر لازم باشد از حمایت‌های بی دریغ مادر بهره مند می‌شود که این احساس امنیت درا ین مرحله سنی، به شکل‌گیری مناسب شخصیت آینده افراد کمک زیادی خواهد کرد.

دردناک تر از همه اینها جایی است که اشتغال مادر اصلاً به دلیل کمبود مالی و فشارهای زندگی نبوده و فقط غلبه حس خودخواهی و استقلال طلبی او بر عاطفه مادری، باعث این مشکل بزرگ می‌شود و تنها به بهانه از بین نرفتن تلاش او برای اخذ مدرک تحصیلی، این حق مسلّم خدادادی را از فرزندش دریغ می‌نماید.

کودکی که به جای دستان گرم مادر، عادت کرده تا عروسک یک شخصیت کارتونی یا سینمایی را در آغوش بگیرد یا به جای نگاه کردن به چهره پرمهر او،

از صبح تا شام فقط عکس یک شخصیت هالیوودی را بر روی تمام لوازم اتاقش از تخت و پتو گرفته تا لباس زیرش می‌بینند، کودکی که با مربی مهد یا پرستارش بیشتر رابطه عاطفی دارد تا با مادر خود، هرگز فردی نخواهد بود که در دوران کهنسالی والدین، از بردن آنها به خانه سالمندان دریغی داشته باشد.

و اصلاً این خود ما هستیم که به فرزندانمان این کار را می‌آموزیم که می‌توان در هنگام گرفتاری‌ها و یا به خاطر رسیدن به اهداف مالی و موقعیت‌های اجتماعی، حتی از پیوندهای خونی گذشت و با سپردن وظایف به مؤسسات، در قبال وجه، از مسؤولیت‌های خانوادگی شانه خالی کرد!

جالب این‌جاست که این پدر و مادر خسته که پس از یک روز کاری طاقت‌فرسا به منزل آمده و حوصله برخورد مناسب با فرزند را ندارند، فقط برای سرپوش گذاشتن بر روی عمل خود، رها شدن از عذاب وجدان و گاهی راحت شدن از سر و صدای فرزند خود، به جای محبّت و رسیدگی مناسب، پول و امکانات رفاهی غیرمعمول را نثار او می‌کنند که این خود، جنایتی بزرگتر محسوب می‌شود.

پدران زیاده‌خواه

رسول گرامی اسلامی(صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرمایند: «...و الرجل راع علی اهل بیته، و هو مسؤول عنهم، فالمرئه راعیه علی اهل بیت بعلها و ولده، و هی مسئوله عنهم، ألا فکلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیته.»

«مرد، نگهبان خانواده خویش است و در مقابل آنها مسؤول است، زن نیز نگهبان خانواده، شوهر و فرزندان است و در برابر آنها مسؤول است.

بدانید همه شما نگهبانید و همه شما در برابر کسانی که مأمور نگهبانی آنها هستید، مسؤولید.»[۳]

۳- مجموعهٔ ورام: ۶/۱

اهمیت حضور پدر در کنار فرزندان در دوران کودکی به اندازه نیاز آنها به مادر نیســت! اما یقینا تاثیر بسیار مطلوبی بر شکل‌گیری شخصیت فرزندان خصوصا پســرها خواهد داشــت. پدری که با چند شــغله بودن، خستگی و بی‌حوصلگی خویش را بــرای فرزندانش جایگزین محبت و مدیریت دلســوزانه اش می کند و به جای ایجاد آرامش در محیط خانواده عصبانیت ناشــی از خســتگی کاری را برایشــان به ارمغان می‌آورد نیز خیانتی بزرگ در حق فرزندانش روا داشــته است.

هرچند این چند شــغل داشتن به بهانهٔ فراهم‌آوردن رفاه خانواده و فرزندان باشد، بازهم رفاه اخلاقی و تربیتی بررفاه مالی اولویت دارد.

از این دردناک‌تر جایی است که پدر اصلا شغل دومی هم نداشته و نیاز مالی هــم ندارد ولی بخش زیادی از وقت خود را پــس از زمان کاری، به تفریح‌های مجــردی با دوســتان و دوری از محیط خانواده بگذراند. نیاز به حضور بیشــتر پدر، خصوصا برای پســرها در دوران نوجوانی شــدت می‌یابد. پسر که در دوره خردســالی و کودکی، بیشــتر تحت تاثیر مادر و وابســته به او بوده، اکنون در مرحله‌ای قرار می‌گیرد که باید الگوی خود را تغییر داده و با پدر همانندسازی کند و این به خاطر نیاز او در این ســن به رفتارهای مردانه اســت که البته اگر این نیاز از ســوی پدر تامین نشــود، پسر به مردهای دیگری مثل برخی اقوام و یا حتی شــخصیت‌های سینمایی پناه می‌برد و آنها را به عنوان الگوی فکری و رفتاری خویش انتخاب می‌کند.

حساس‌ترین دوران

پس از گذراندن دوره‌های خردسالی و کودکی که به ترتیب هفت سال اول و پنج ســال بعد از آن است، افراد به ســخت‌ترین و حساس‌ترین دوره تربیتی یعنی نوجوانی وارد می‌شوند.

ازاین‌جاســت که والدین با ناسازگاری‌های فرزندان روبه‌رو شده و از اطاعت و اعتماد گذشته آنها اثری نمی‌بینند.

نوجوان از یک ســو در حال جدا شــدن از وابســتگی‌های کودکی اســت و از ســوی دیگــر، هنوز توانایی لازم برای حل مســایل خود را بــه تنهایی ندارد و این امر باعث نوســان‌های فکری و روانی او شــده، سرکشــی‌ها، طغیان‌ها و پریشــانی‌هایی در رفتارش به وجود می‌آورد که البته این مســأله باعث نگرانی والدین می‌گردد.

از طرفی احســاس اســتقلال طلبی و از طرف دیگر ناتوانی فکری و اجرایی در نوجوانان، رفته رفته زمینه گرایش آنها را به گروه‌ها، تشــکل‌ها و جمع‌های دوستانه بیشتر می‌کند.

این در حالی اســت که برای والدین بسیار مشکل است تا از عادت کنترل و بازخواستی که طی سال‌های گذشته تجربه کرده اند دست بردارند و همچنین یافتن شیوه نوینی از ارتباط با نوجوان برایشان سخت خواهد بود.

در این‌جا بهترین کار، سمت و سو دادن غیرمستقیم فرزند به سوی تشکل‌ها و دوســتان مورد تأیید است. والدین می‌توانند بخش قابل توجهی از مسؤولیت تربیتی خود را به دوش گروه، تشــکل یا دوســتان مورد اعتماد بیاندازند. البته با نظارتی برخاســته از اهمیت به تربیت فرزند و حمایت همه جانبه از تشــکل مورد نظر، علاقه فرزندشــان به آن گروه خاص را وسیله‌ای جهت تعلیم و رشد فکــری او قرار دهند و با تعامل فکری ایجاد شــده بیــن دو ضلع مثلث، یعنی خانواده و تشــکل، برخی از امور تربیتی مانند اخطارها، نصیحت‌ها، راهنمایی‌ها و برخوردها را که نمی‌توان به طور مســتقیم بــرای نوجوانان انجام داد، از این مسیر به انجام برسانند.

● فصل دوم

مدرسه

تولدی دوباره

باگذشــت هفت ســال اول، والدین موظف به آموزش فرزندان خود چه در زمینه‌های دینی و چه پیرامون مسایل علمی می‌شوند.

امام باقر(سلام الله علیه) فرمودند: (إنّا نأمُرُ صبیاننا بالصَّلاه اذا کانوا بَنی خَمسِ سِــنینَ، فَمُروا صِبیانَکُم بالصَّلاهِ إذا کانوا بَنی سَبعِ سِــنینَ، و نحن نأمُرُ صِبیانَنا بالصَّوم اذاکانوا بَنی سَبعِ سِنِنَ بِما أطاقوا مِن صِیامِ الیَوم إن کانَ إلی نِصفِ النّهارِ أو اکثَرَ مِن ذلک أو أقَلَّ، فَإذا غَلَبَهُمُ العَطَشُ و الغَرَثُ أفطَروا، حتی یَتَعَوَّدُوا الصَّومَ و یُطیقوهُ، فَمُروا صِبیانَکُم اذا کانوا بَنی تِسعِ سِنِنَ بِالصَّومِ ما استَطاعوا مِن صِیامِ الیَومِ، فَإذا غَلَبَهُمُ العَطَشُ أفطَروا). «ما کودکان خود را وقتی پنج ساله‌اند به نماز امر می‌کنیم ولی شما کودکانتان را وقتی هفت ساله شدند به نماز امر کنید. ما

کودکان خود را وقتی هفت ساله‌اند به روزه وا می‌داریم به اندازه‌ای که توان دارند چه تا نصف روز باشد یا بیشتر یا کمتر وقتی تشنگی و گرسنگی برآنان چیره شد، افطار می‌کنند تا این‌که به روزه عادت کنند و توان آن را بیابند. ولی شما کودکانتان را وقتی به نه سال رسیدند به اندازه‌ای که توان دارند به روزه وادارید و وقتی تشنگی بر آنان چیره شد افطار کنند.»[۴]

آموزش رسمی کودک از این مرحله آغاز می‌شود و طبق فرمایش پیامبر خدا(صل الله علیه واله وسلم) این دوران بهترین زمان یادگیری است: (مَثَلُ الَّذی یَتَعَلَّمُ فی صِغَرِهِ کَالنَّقشِ فی الحَجَرِ وَ مَثَلُ الَّذی یَتَعَلَّمُ فی کِبَرِهِ کَالَّذی یَکتُبُ علی الماء)«حکایت کسی که در کودکی می‌آموزد همانند نقش کندن بر سنگ است و حکایت کسی که در بزرگ سالی می‌آموزد همانند کسی است که بر آب می‌نویسد.»[۵]

بنابراین جایگاه دوم تأثیرگذاری بر روی افراد، در قسمتی از دوران کودکی و اوایل نوجوانی، متعلق به مدرسه است که وظیفه آموزش و تعلیم و تربیت آنها را به عهده دارد. مدرسه از این جهت که بیشتر وقت کودک و نوجوان را پر می‌کند می‌تواند تا حدودی تأثیرات مستقیمی روی افراد داشته باشد.

پیوند دو ضلع

خانواده و مدرسه هرکدام نقش خاص خود را ایفا می‌کنند، در خانواده بیشتر روابط فردی و عاطفی حاکم است و در مدرسه روابط جمعی و منطقی نمود پیدا می‌کند. بنابراین هرکدام از این دو محیط، مکمل دیگری است و ارتباط صمیمی این دو با هم می‌تواند کمک زیادی به شکل‌گیری صحیح شخصیت افراد کند.

تحقیقات، نشان داده در مدارسی که والدین با معلمان و مسئولان مدرسه کمتر

۴- کافی: ۱/۴۰۹/۳

۵- کنز العمال : ۲۹۳۳۶/۲۴۹/۱

ارتباط داشته اند دانش آموزان از مشکلات رفتاری بیشتری برخوردار بوده اند.[۶]

غالبـــا والدین گمان می‌کنند که اگر فرزند خود را روانهٔ مدرســـه کنند، وظیفهٔ تعلیمی و تربیتی خود را نسبت به وی انجام داده‌اند و تمام کاستی‌ها و نقص‌ها را در این جهات از چشـــم مدرسه می‌بینند و انتظار دارند، مدرسه به تنهایی این بار را بردوش بکشد و چون مدرسه هرگز به تنهایی از عهدهٔ چنین تربیتی بر نمی‌آید، والدین گمان می‌کنند، راه چاره، تعویض مدرسه یا استخدام معلم خصوصی است.

نوک پیکان

باید اعتراف کرد که در محیط مدرســـه، این فقط معلم یا اســـتاد نیست که در شکل‌گیری شخصیتی افراد تاثیرگذار است وعوامل دیگری همچون: قوانین مدرسه، برنامه‌های جانبی (مانند: مراســـمات، اردوها، مسابقات و...)، مدیریت، کادر اجرایی و ناظم و حتی هم‌کلاسی‌ها در این مسأله دخیل هستند.

اما باید به این نکته نیز توجه داشـــت که در این میان، چشـــمان ظریف‌بین و قلب پر از محبت و خیرخواهی معلم بیشـــترین نقش را ایفا می‌کند به طوری که گاهی ممکن اســـت ارتباط خوب یک معلم بـــا دانش‌آموز خود تأثیر زیادی روی علاقه‌ها، نوع نگرش، تفکرات و تمایلات او بگذارد و این مســـأله مخصوصا در دورهٔ ابتدایی، بیش از سایر دوره‌های تحصیلی خود را نشان می‌دهد و شاید در دورهٔ راهنمایی همین ارتباط از ســـوی مشـــاور مدرسه یا مسؤول پرورشی، بیشتر مورد نیاز باشد.

استقلال طلبی

تأثیرپذیـــری دانش‌آمـــوزان و گرایش آنها نســـبت به معلمـــان و متصدیان

۶- روانشناسی تربیتی :۱۵۸

پرورشـــی مدرســه، رفته رفته با پایان یافتن دوره راهنمایی و ورود ایشـــان به مقطع دبیرســـتان کم رنگ شـــده، نوجوانان علاقه زیادی به جمع‌های رفاقتی نشان می‌دهند.

گاهی این ابراز علاقه در قالب شرکت در جلسات مذهبی یا پایگاه‌های بسیج و تشـــکل‌های فرهنگی اســـت و گاهی به صورت یک تیم ورزشی، گروه هنری، عضویت در احزاب سیاســـی یا حتی در برخی موارد شـــرکت در میهمانی‌های غیراخلاقی یا جمع‌های صرفاً تفریحی بی‌هدف و مخرب است.

نکتهٔ مهم این‌جاست که پایداری همه صفات خوب و ارزش‌هایی که افراد در دورهٔ کودکی و نوجوانی از خانواده و مدرسه آموخته اند، به این گروه بستگی داشته و این تشکل است که می‌تواند پشتوانه‌ای برای تثبیت ارزش‌ها یا از بین بردن آنها باشد.

آشـــنایی اولیه نوجـــوان با برخی از این گروه‌ها می‌تواند از درون مدرســـه و حتی از طریق برخی معلمان، اساتید و یا همکلاسی‌ها باشد.

بنابراین عواملی همچون:

هوشیاری مسؤولان مدرسه.

رابطهٔ خوب معلمین با دانش‌آموزان.

وجود یک مشاور قوی در مدرسه.

پیوند محکم بین دو ضلع مثلث یعنی خانواده و مدرسه.

پیگیری‌های هوشمندانه والدین نسبت به رفت و آمدهای فرزندان در مسیر مدرسه.

تحقیق مسؤولان مدرسه و والدین دربارهٔ رفاقت‌های فرزندان و ...

همه، مواردی هستند که می‌توانند در اطلاع پیدا کردن از وجود زمینه‌های گرایش نوجوانان به تشکل‌های مناسب یا نامناسب و برنامه‌ریزی زیرکانهٔ والدین و کادر مدرسه در جهت‌دهی خوب ایشان، تأثیر بسیاری بگذارند.

• فصل سوم

تشکل

تفاوت‌طلبی

بزرگ‌ترین کمبود نوجوان که زمینهٔ گرایش او به گروه‌ها، تشکل‌ها، احزاب و مجموعه‌های مختلف می‌شود، یافتن چیزی است که آن را در جایی دیگر مثل رسانه‌ها، اینترنت یا خانواده و مدرسه نمی‌تواند پیدا کند.

حتی افرادی که در خانواده‌هایی بسیار فهمیده بزرگ شده و با رعایت تمامی اصول تربیتی، دوره کودکی را گذرانده‌اند هم از این حس نیاز به عضویت، خالی نیستند. آنها نیز تمایل دارند دامنهٔ افرادی که آنها را دوست دارند و به آنها احترام می‌گذارند وسعت پیدا کند و به دنبال چیزی متفاوت می‌گردند.

برای همین است که اگر در این زمان پدر و مادر، معلمین و مسؤولین مدرسه که تنها مشاورین بزرگ‌تر آنها هستند، نتوانند معرّف خوبی برای‌شان

باشـــند، دایم از این شاخه به آن شـــاخه پریده و گروه خود را عوض می‌کنند و حتی گاهی نیاز به تفاوت را در ارتباط با جنس مخالف جست‌وجو می‌نمایند.

بهترین کار ممکن این اســـت که والدین و مدرسه هوشیاری خود را نسبت به آمد و شد نوجوان با افراد مختلف، افزایش داده، نسبت به عضویت و شرکت او در کلاس‌ها، تجمعات، جلســـات، همایش‌ها، اردوها و میهمانی‌های دوستانه، حساس باشند. می‌توان با درایت خاص، رفتار زیرکانه و در خور شأن یک پدر و مادر دلسوز و معلم و مدیر آگاه، نوجوان را به سوی یک تشکل فرهنگی-تربیتی مناســـب هدایت کرد تا این تشـــکل، عـــلاوه بر تنوع و مهـــارت تربیتی، امکانی متفاوت را در اختیار نوجوان بگذارد و حسّ تفاوت‌طلبی او را ارضا کند.

این امکان، که نوجوان نمی‌تواند بیرون از تشـــکّل پیدا کند، پدیده‌ای است به نام «رفاقت معنوی» که بین اعضای یک تشـــکل خوب، توسط مربی و مدیر آن مجموعه ایجاد می‌شود.

گروه گرایی:

انســـان‌ها تا بلوغ جنســـی متغیرند و بـــه بلوغ جنســـی، دوران ثبوت گفته می‌شود. یعنی در دخترها بین ۹ تا ۱۲ سالگی و پسرها بین ۱۳ تا ۱۶ سالگی، بهترین زمینه‌های تربیتی وجود دارد که پس از گذشـــت این دوره، شـــخصیت نوجوان تا حدّ زیادی شـــکل گرفته و پس از رســـیدن به دوران ثبوت و ورود به مرحله جوانی، تغییر شـــخصیت و ماهیت شخصیتی افراد، بسیار اندک و تربیت آنها همراه با مشقت زیادی خواهد بود.

این دوران، همان زمانی اســـت که نوجوان به خاطر این‌که نمی‌تواند جواب کنجکاوی‌هـــای جنســـی خود را به دلیـــل وجود محدودیت‌ها یا شـــرم و حیا، از طـــرف خانواده برطرف کند یا به دلیل احســـاس نیاز به اســـتقلال در برخی زمینه‌ها مانند دوســـتی‌هایش یا برای نشـــان دادن توانایی‌ها و استعدادهایش

به اعضای خانواده و خصوصاً والدین، علاقهٔ شــدیدی به گروه‌ها و تشــکل‌های گوناگون نشان می‌دهد.

بنابراین آگاهی والدین از خواص گروه‌گرایی نوجوانان و نیاز شــدید آنان به این حس و کمک‌های غیر مستقیم ایشان به فرزند خویش برای یافتن گروه یا تشــکل و مجموع‌های مناسب؛ و آشــنایی با مهارت‌هایی که یک مربی یا مدیر موفق باید برای تربیت فرزندشــان داشــته باشد، کمک شــایانی در قالب‌بندی شخصیتی نوجوان در حساس‌ترین دورهٔ زندگی او خواهد بود.

ابعاد تربیت‌کننده انسان

متأســفانه در برخی تشــکل‌های فرهنگی، شــیوه رایج چارت‌بندی به این صورت اســت که در کنار تقســیم‌بندی‌های مسؤولیتی دیگر، یک بخش هم به نوجوانان اختصاص داده شده و یک نفر به عنوان مربی یا مسؤول واحد نوجوانان منصوب و مشــخص می‌گــردد. این فرد، کنترل، نظارت، تربیت و ســازماندهی کلیــه امــور نوجوانان عضو را به هر تعدادی که باشــند، بر عهــده دارد. این در حالی اســت که بزرگترین مربی بشــریت یعنی خداوند متعال نیز برای تربیت انســان‌ها، این نوع تقسیم بندی مسؤولیتی را نمی‌پسندد و بر اساس آگاهی از نظام آفرینش و سیستم وجودی انسان، برای رشد و تعالی او، دو بُعد تربیتی را در کنــار هم قرار داده، تمامی امور تربیتی را به دوش یک نفر نمی‌اندازد. برای تربیت انســان، در کنار جایگاه مهم مادری، پدر را نیز از اهمیت و ارزش والایی برخوردار نموده اســت؛ یک نیروی جاذبه و یک نیروی دافعه. یک بُعد نظارتی و کنترلی و یک بُعد تربیتی و آموزشــی. یک جنبهٔ عاطفی محض و یک جنبهٔ حمایتی و پشتیبانی کامل.

بر اســاس یک مشــاهدهٔ تجربی، این واقعیت تلخ در ذهــن، نقش می‌بندد کــه عموماً بچه‌هایی که از ایــن دو بُعد تربیتی در کنار هــم محروم بوده یا از

هماهنگی لازم میان این دو نیروی تربیت‌کننده برخوردار نبوده‌اند، انسان‌های موفقی در جامعه نیستند.

گاهی از نظر روانشناسی نیز توصیه می‌شود که به بچه‌های طلاق و کودکان و نوجوانانی که حاصل جدایی پدر و مادر هستند، توجه ویژه‌ای شود. چون این نوع بچه‌ها غالباً یا باید با پدر زندگی کرده و فقط از بُعد کنترلی و نظارتی برخوردار باشند و یا با مادر زندگی کرده و فقط از جهت عاطفی و آموزشی تأمین شوند که در هر صورت کمبودهایی به وجود آمده و بر شکل‌گیری شخصیتی فرزند، تأثیر زیادی خواهد گذاشت.

حتی در آن دسته از این بچه‌ها که چند روزی با پدر و چند روزی با مادر، به صورت توافق اولیه، زندگی می‌کنند؛ به دلیل عدم هماهنگی این دو نیرو، در بیشتر مواقع، ایجاد افراط در وظایف هر کدام از این دو بُعد، به خاطر رقابتی که ناشی از لجبازی با یکدیگر است، باز هم شاهد پیامدهای بسیار ناگوار تربیتی و اخلاقی هستیم.

این مسألهٔ طبیعی، در تقسیم‌بندی مسؤولیتی یک تشکل فرهنگی که تصمیم به کار تربیتی بر روی نوجوان و جوان دارد نیز مؤثر است.

بنابراین، شیوهٔ مناسب در این نوع مجموعه‌ها، تقسیم امور بین دو عامل مهمّ تربیت‌کننده، با عناوینی همچون «مربی تربیتی» و «مدیر فرهنگی» است که هر کدام علاوه بر هماهنگی کامل با یکدیگر، وظایف خاص خود را بر عهده خواهند داشت. به عنوان مثال، در چنین مجموعه‌ای، هرگز نباید از مربی تربیتی در قبال اشتباهات فرزندان، انتظار توبیخ و سرزنش آشکار داشت و تنها کاری که در مواجهه با چنین مواردی توصیه می‌شود این است که مربی به دلیل جاذبهٔ قوی و عاطفهٔ بالا، از قبل، آنقدر به نوجوان محبت ورزیده باشد که در چنین وضعی، با کم کردن یا تغییر شیوهٔ ابراز محبت، بتواند این تأثیر را در بچه‌ها ایجاد کند که از کار خود پشیمان شده و در صدد جبران یا عذرخواهی

برآیند و از این تغییر رفتار، دریابند که اشتباهشان دست مربی را جهت ابراز این علاقه، به شیوه گذشته بسته است.

پس از اشتباهات متعدد یا در صورت ارتکاب خطایی بزرگ که نیاز به تنبیه و توبیخی فراتر از این عمل هست، کار مدیر فرهنگی شروع شده و اعمال شیوهٔ صحیح تنبیه به او سپرده می‌شود که البته در این موارد نیز گاهی لازم است با هماهنگی قبلی، وساطت مربی، نجات بخش و امیدوارکنندهٔ نوجوان خاطی باشد.

در محیط خانواده می‌توان جایگاه مربی تربیتی را برای مادر و مدیر فرهنگی را برای پدر تصور کرد.

مربیِ عمومی باشیم

در بعضی از موارد دیده می‌شود که یک مربی، تمام مهارت‌های تربیتی خویش را محدود به زمان، مکان، گروه یا افراد خاص می‌کند.

متأسفانه شیوهٔ رایج تربیتی در میان مربیان در حال حاضر همین سبک رفتاری است. یک مربی پرتوان و بسیار قوی که در کلاس با شاگردان رابطهٔ بسیار خوبی برقرار کرده و از نفوذ زیادی در قلب آنها برخوردار است، به محض خارج شدن از کلاس و مواجهه با همکاران و به میان آمدن صحبت‌های کاری، گرفتاری‌های زندگی و غیره، رفتارش کاملاً عوض شده و حتی نوع برخوردش با شاگردانی که بیرون از کلاس به او مراجعه می‌کنند، نامناسب و متضاد با رفتار کلاسی اوست. گاهی مربی فقط نگاه تربیتی خود را متوجه گروه خاصی که زیر نظر او هستند، می‌کند، گاهی فقط افرادی که عضو جلسه، کانون یا پایگاه مخصوص هستند از این نگاه او بهره‌مند می‌شوند.

در صورتی که شیوه تربیت دینی به این صورت نیست و اگر تمام خط به خط کتاب‌های تاریخی را بگردیم جایی نخواهیم یافت که اسوه مربیان و

معلمـــانِ عالم یعنی پیامبر عزیز اســـلام (صلی‌الله علیه و آله و سـلم) به این صورت عمل کرده و تمام توان و مهارت تبلیغی و تربیتی خویش را محدود به یک عده افراد خاص یا مکان و زمان و گروه مخصوصی کرده باشند.

آیا شـــنیده‌اید که مثلاً کســـی بگوید: پیامبر(صلی الله علیه و آله و سـلم) تا زمانی که داخل مسجد بودند، در حال تربیت و تبلیغ به سر برده و وقتی از مسجد خارج می‌شدند، فقط امرار معاش و گرفتاری‌های شخصی وقت ایشان را پر می‌کرد و توجهی به جنبه‌های تربیتی پیرامون خود نداشتند؟!

«معلمی شـــغل انبیاست» و کســـی که در عرصه تربیت قدم گذاشت باید با تأسی جستن به سیرهٔ پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) برای تمامی افراد پیرامون خود، مربی بوده از هر فرصت و زمینه جهت هدایت و تربیت استفاده کند.

پیامبر گرامی اســـلام(صلی الله علیه و آله و سـلم) فرمودند: مَن جاءالموت و هو یطلب العلم لیحیی به الاسلام، کان بینه و بین الانبیاء درجه واحده فی الجنه. «کسی که در بستر مرگ قرار گیرد و در حال کسب علم و دانایی باشد بدین منظور که با علم و دانش خود تبلیغ کند و اسلام را احیا نماید و باعث انتشار دین در بین مردم شود در بهشت میان او و پیامبران یک درجه فاصله بیشتر نخواهد بود.[۷]

تربیت متنوع

شـــاید این سؤال ایجاد شـــود که چطور می‌شود برای همه مربی بود و همه اوقـــات را بـــه تربیت گذراند در حالی که یک مربی نیز زندگی شـــخصی خود و گرفتاری‌های روزمره خویش را داراســـت؟! پاسخ این سؤال بسیار راحت است؛ فقط کمی درد دین داشتن و عشق به تعلیم و هدایت را نیاز دارد.

یقیناً کســـی توقع ندارد یک مربی، با افراد خانواده، دوستان قدیمی، کسبه محل و یا راننده تاکســـی و اتوبوس همان برخوردی را داشـــته باشد که با افراد

۷- منیه المرید: ۲۳

گروه یا شاگردان کلاس دارد.

در مرحله اول، باید نیازها و ظرفیت‌های افراد را تشخیص داد و بعد با توجه بـه ظرفیت خود، از بین آنها اولویت‌بندی نمود و نوع برخورد و شـیوهٔ تربیتی را مشـخص کـرد. به عنوان مثال، مربی هرگز نمی‌توانـد مقدار زمانی که برای تربیـت یک دانش آموز یا نوجوان عضو گروهش صرف می‌کند را برای مغازه‌دار نزدیک محل زندگیش نیز صرف کند و اصلا نیاز این مغازه‌دار هم به اندازه نیاز آن نوجوان نخواهد بود. مثلاً نمی‌شـود برای مغازه‌دار هم اردویی برگزار کرد یا او را مجبور به شـرکت در کلاس خاصی نمود یا یک سلسله مباحث را برای او مطرح کرد.

بلکه مربی می‌تواند با شناخت ظرفیت و نیاز افراد پیرامون خویش، تشخیص دهد که برای مغازه دار سرکوچه نیز از نگاه تربیتی کافی است که هنگام خرید یا عبور از مغازه او با لحنی صمیمی سـلام کرده و سری تکان دهد. همین کار کوچـک، بی‌هزینه و به ظاهر بی‌اهمیت می تواند پیام‌های تربیتی مناسـبی از قبیل موارد زیر را در بر داشته باشد:

الف) مغازه‌دار عزیز، بنده به عنوان یک فرد مذهبی و مربی تربیتی از حسن خلق و رفتار نیکو برخوردار هستم:

ب) اگـر زمانـی گرفتاری خاصی برایـت به وجود آمد، نیاز بـه درد دل یا مشورت داشتی، می‌توانی روی من حساب کرده آن را برایم بازگو کنی.

در بررسـی سیرهٔ تبلیغی نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) دیده می‌شود که ایشـان از هر بهانه و فرصت برای هدایت، روشـنگری و تبلیغ استفاده کرده و شـیوه‌های متعدد تبلیغی را با توجه به فهم، گروه سـنی، میزان اسـتعداد، موقعیت اجتماعی و موقعیت زمانی و مکانی به کار می‌بستند.[۸]

۸- مراجعه شود به: تاریخ سیاسی اسلام، سیره رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم)، رسول جعفریان:۴۴۷/۱

گاهـی با صبـر، گاهی با تندی، گاهی در قالب یـک مَثَل و حکایت، برخی موارد با اشـک و گریه، با خنده و شـوخی، با توبیخ و تنبیه، با مناظرات علمی و صحبت‌هـای منطقـی، با سـفره انداختـن و میهمان‌کردن افـراد و حتی با نمایش‌های عملی و ...

شـاید این داسـتان شـاهد خوبی برای روشن شـدن مطالب باشد: روزی پیامبـر اکرم(صلـی الله علیه و آله و سـلم) که با جمعی از اصحاب به صحرا رفته بودند، رو به ایشان کردند و فرمودند: بروید هیزم جمع کنید.

اصحـاب که دور و برخود جزخـاک و رمل‌های بیابان چیـزی نمی‌دیدند، عرض کردند: یا رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم) این‌جا که چیزی جز خاک نیست، پس چطور هیزم جمع کنیم؟!

حضـرت اصـرار نموده، با جدیت بیشـتری امر فرمودند کـه بروید و هیزم بیاورید.

اصحـاب که اطاعت از دسـتور پیامبر(صلـی الله علیه و آلـه و سـلم) را بر خود واجب می‌دانستند، متفرق شدند و هر کدام به سویی برای یافتن هیزم رفتند.

پس از مدتی خدمت حضرت برگشـتند و در حالی که هرکدام پشته‌های از خار و خاشاک و چوب‌های خشک به همراه داشتند، دور هم جمع شدند.

هیزم‌ها را روی هم انباشـته و تپه‌ای از چوب‌ها و خارهای خشـک فراهم شد. هنوزخستگی زحمت‌شـان را از تن بیرون نکرده بودند که حضرت، آتشی فراهم کرده، زیر هیزم‌ها گذاشتند و همه به سرعت سوخت و به خاکستر تبدیل شد.

ایشان با این نمایش عملی دو پیام مهم به اصحاب داده، فرمودند:

۱-گاهـی مـا انسـان‌ها برای ذخیـرهٔ حسـنات و ثواب‌ها زحمـت زیادی می‌کشیم و کارهای خیری انجام می‌دهیم اما در این میان مرتکب برخی گناهان می‌شویم که همچون آتشی تمام تپهٔ خوبی‌ها را می‌سوزاند.

۲-تنها حسنه‌ای که در دنیا با هیچ گناهی از بین رفتنی نیست، محبت علی بن ابی طالب(سلام الله علیه) است و تنها گناهی که هیچ ثوابی آن را نمی‌پوشاند و هرگز عمل خیری با وجود آن پذیرفته نخواهد شد، بغض و دشمنی با مولا علی(سلام الله علیه) است.[۹]

یک مربی موفق کسی است که از هر فرصتی برای پیام دادن به شیوه‌های گوناگون استفاده کند، شیوه‌ها و موقعیت‌هایی مانند: «کلاس‌های علمی، همایش‌ها، نمایش فیلم، سخنرانی در ضمنِ روضه و توسل، هنگام ابراز محبت‌های خصوصی، تک‌جمله‌های بی‌ربط در لحظات سکوت، در حین برنامه‌های ورزشی، در غالب مشاوره راجع به مشکلات، جلسات پرسش و پاسخ، در ابتدای دیدار، هنگام خداحافظی، نمایش و تئاتر، اردوها، برنامه‌های زیارتی، گپ‌های دوستانه و دسته جمعی، معرفی کتاب، معرفی سایت، هدیه دادن نرم‌افزارها یا سی‌دی‌های مناسب، تذکرهای جدی و توبیخی، روزنامه دیواری، نشریه، مقاله، جشن‌ها و اعیاد، پیامک، لحظه‌های خاص و حساس در بروز حادثه‌های تلخ و شیرین، خوب عمل کردن و تقید خود به ارزش‌ها و ...»

هر کسی قصد تربیت داشته باشد چه مربی باشد، چه مدیر یا حتی پدر و مادر، ناگزیر است از استفادهٔ هوشمندانهٔ فرصت‌ها و به کارگیری ابزار مختلف تربیتی.

گاهی ممکن است، یک جمله بگویی و عبور کنی، اما همین جملهٔ ساده و خالصانه، انقلابی در زندگی یک نفر به وجود بیاورد و تحولی در شخصیت او صورت پذیرد.

حتماً دیده‌اید کارِ اشتباهِ بعضی بچه‌ها را که درِ خانه‌ای زنگ می‌زنند و فرار می‌کنند و اصلاً توجه ندارند که شاید با این کار کسی را از خواب بیدار و اسباب

۹- شرح نهج البلاغه/ ابن ابی الحدید معتزلی

زحمت او را فراهم می‌کنند.

بسیاری از علما و بزرگان ما نیز از این شیوه در امر تربیت استفاده می‌کردند، البته با این نیت که با یک جمله حساب‌شده در لحظه‌ای طلایی و بسیار حساس و موقعیتی مناسب، درِ خانهٔ فکر و دل مردم زنگ می‌زدند و سکوت می‌کردند تا همان یک جمله کار خود را بکند و تأثیر خود را بگذارد و آن فرد از خواب غفلت بیدار شود.

کسی را می شناسم که می‌گفت: مسیر زندگی من فقط با جملهٔ مردی بزرگ تغییر کرد. وقتی او را به طور تصادفی و کاملا اتفاقی بی‌آنکه بشناسم، سوار ترک موتور خویش نمودم و زمانی که برای رسیدن به یک نشانی راه را گم کردیم و سرِ دوراهی از کسی آدرس خواستیم، آهسته درگوشم زمزمه کرد که: چه قدر خوب است انسان سر همه دوراهی‌های زندگی یک نفر راه‌بلد را داشته باشد تا نشانی درست را از او بگیرد.

همین جملهٔ کوتاه و ساده در ذهنم آشوبی به پا کرد که چرا من یک مشاور و استاد مورد اعتماد ندارم تا در امورم با او مشورت کنم؟!

از آن روز در پی یک استاد خوب می‌گشتم که سرانجام به درِ خانهٔ همان مرد بزرگ رسیدم و از برکت مشورت با ایشان در امورم، زندگی من کاملاً تغییر کرد و مسیر خدایی را در پیش گرفتم.

اولویت‌های گزینش

کسانی که زمینهٔ گناه برای‌شان بیشتر است، مثل افرادی که از زیبایی خاصی برخوردارند، یا خانوادهٔ مذهبی و مقیّدی ندارند، یا دوستان و مشوّقانی برای انجام گناه دارند و هنوز آلوده نشده‌اند، باید در اولویت گزینش قرار گیرند و در تقسیم‌بندی ظرفیتیِ مربی از نظر توان و زمان، لحاظ شوند.

این مهم است که تو در برخورد با افراد، توانایی تشخیص نیازها و اولویت‌بندی

آن با توجه به ظرفیت خود را داشته باشی، اما اگر کسی این احساس مسؤولیت برایش ملکه شود، حتی در آن مواردی که نیازهای برخی برایش اولویت ندارد یا از حد ظرفیت او بیشتر است، باز هم فرد را به حال خودش رها نکرده و با دلسوزی کامل او را به گروه، افراد یا مربیان مناسبی معرفی می‌کند یا سبب آشنایی‌هایی می‌شود که بار از زمین برداشته شود.

پس یکی از نشانه‌های تشکل تربیتی مناسب برای تربیت فرزندان‌مان، برخورداری این تشکل از یک مربی تربیتی خوش‌اخلاق و دلسوز با روابط اجتماعی خوب است، به صورتی‌که برای همه پیام داشته و نسبت به هیچ‌یک از افرادی که با او برخوردی دارند، بی‌تفاوت نیست.

تربیت، همگانی است!

هنگامی که شما یک وسیلهٔ جدید مثلاً گوشی همراه می‌خرید، دوست دارید در ازای پولی که داده‌اید حتماً از همهٔ امکانات و ظرفیت‌های گوشی خود استفاده کنید. برای این کار باید اولاً با این امکانات آشنا شوید، و ثانیاً راه‌های استفاده از این امکانات را یاد بگیرید.

به همین دلیل، همیشه همراه وسایل اینچنینی، یک دفترچه راهنما وجود دارد که موارد مورد نیاز را به دقت توضیح و آموزش می دهد و در کنار توضیحات و نکات قابل ذکر تمام دفترچه‌های راهنما، تصویری وجود دارد تا برای درک بهتر مطالب دقیقاً از روی تصویر الگوبرداری شود.

از این مثال جزیی باید این استفاده را کرد و گفت: خداوند حکیم نیز همراه سرمایه‌ها ونعمت‌ها و امکانات فراوانی که به بشر عنایت فرموده، در جایگاه رفیع خودش، یک کتابِ راهنما قرار داده تا انسان بتواند با مطالعهٔ دقیق آن، استعدادهای خود را بشناسد و با بررسی راه‌های استفادهٔ صحیح از آنها، به مقام انسانیت خود و اشرف مخلوقات بودنش برسد.

جالـب این‌جاسـت کـه این کتـاب راهنمـای الهـی، یعنی قـرآن مجید نسـخه‌ای تـام و تمام از یک انسـان کامـل و نمونـهٔ موفق ارایـه می‌دهد و می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسـول الله اسـوه حسـنه ...» همانا برای شما در سیره رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست.[۱۰]

و به انسـان توصیه می‌فرماید که برای شـناخت تمام ظرفیت‌های درونی و بیرونی خود و برای اسـتفادهٔ کامل از همهٔ سـرمایه‌ها حتماً طبق سیره و کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عمل کند.

یک پرنده برای پرواز تا مقصد و اوج گرفتن، نیاز به دو بال دارد. انسـان نیز برای رسیدن به قلهٔ کمال و موفقیت، باید پرنده باشد و باید پرواز کند، پس نیاز به دو بال دارد که قرآن کریم آن دو بال را خودسازی و تربیت، معرفی می کند و این دو بال را در پرواز رسول مکرمش نشان داده‌است.

آیـا تا به حال شـنیده‌اید، یـا جایی خوانده‌اید کـه پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سـلم) فرموده باشـند: «به مـن چه ربطی دارد که مردم گمراهند و مشـکل دارند!» یا این‌که بفرمایند: «مسـؤولیت تربیت، سنگین است و من از عهده‌اش برنمی‌آیم!»؟ هرگز! ایشـان تمـام لحظات زندگی خود را در کنار خودسـازی معنوی، به تربیت انسـان‌ها و تبلیغ دین مشغول بودند و نسبت به همهٔ مردم، نگاه تربیتی داشتند.

پس همهٔ انسان‌ها موظف هستند در همهٔ امورات‌شان دقیقاً از پیامبر اکرم(صل الله علیه و آله وسـلم) و سیرهٔ ایشان الگوبرداری کنند نه فقط در برخی قسمت‌ها؛ باید گفت: همهٔ انسـان‌ها موظف به تربیت و تبلیغ هسـتند و این کار، اختصاص به یک گروه، شغل، لباس و صنف خاص ندارد.

طبق این نظریهٔ دینی، حتی اگر انسـانی در زمینهٔ خودسازی و تزکیهٔ نفس

۱۰- احزاب: ۲۱

تلاش بسیار نموده باشد، ولی به رموز تربیتی آشنا نباشد و در تربیت و تبلیغ دیگران سعی نکرده باشد، هرگز او کسی نخواهد بود که به کمال برسد؛ پرواز نخواهد کرد واوج نخواهد گرفت، چون یک بالش مجروح است.

باید گفت که هر انسانی دقیقاً به خاطر خود، نیازمند تربیت دیگران است و باید در مورد تکنیک‌های تربیتی مطالعه کند.

عموماً تمام انسان‌ها روزی پدر و مادر خواهند بود و این دو کلمه مساوی است با کلمهٔ «مربی»، و انجام وظایف تربیتی. مسلم است که ما فقط دستگاه تولید و افزایش نسل نیستیم!

پس تمام انسان‌ها -لااقل- به خاطر وظیفهٔ مهم پدر و مادرشدن‌شان موظف به یادگیری تکنیک‌های تربیتی و مطالعه در این زمینه هستند.

اگر باز به آن نسخهٔ تام و تمام کتابِ راهنمای بی‌نظیر مراجعه کنیم، خواهیم یافت که هرگز کسی نشنیده است که پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) بفرمایند: «من فرزندی به نام فاطمه (سلام الله علی‌ها) دارم که فقط اگر او را تربیت کنم کافی است و به دیگران کاری ندارم!»

دینی که برای ما حتی نسبت به گیاهان و حیوانات وظیفه مشخص کرده است، چگونه ممکن است این وظیفه را در قبال سایر انسان‌ها از دوش ما برداشته باشد؟!

با کمی تفکر در این‌باره، می‌توان دریافت که:

الف)همه باید مربی باشند.

ب)به همه باید نگاه تربیتی داشت.

برای تحقق این آرمان قرآنی، چند وظیفه به عهدهٔ همهٔ انسان‌ها گذاشته می‌شود:

۱- مطالعه و تحقیق پیرامون شیوه‌های صحیح تربیت دینی.

۲- کسب تجربه در مسایل تربیتی (که این امر از طریق فعالیت در بسترهای

آماده تربیتی مانند: مساجد، پایگاه‌های بسیج، کانون‌ها، هیئت و تشکل‌های مورد تأیید مذهبی و فرهنگی فراهم می‌شود).

۳- تمرین جدّیِ مربی خوب بودن در محیط کوچکی مانند خانواده و آماده شدن برای تربیت محیط‌های بزرگ اجتماعی.

۴- روشن گذاشتن «بلوتوث فکر» برای دریافت پیام‌های تربیتی از اتفاقات پیرامون، حوادث تاریخی، کلام و سیرهٔ بزرگان.

۵- طلب نمودن اساتید خوب، مطالب عالی و زمینه‌های مناسب تربیتی از ائمهٔ معصومین (علیهم السلام) و سپردن نتیجهٔ کارها و به کاربستن تکنیک‌ها و تجربیات تربیتی به دست ایشان.

یکی از دوستان که اتفاقاً انسان بسیار فعالی در زمینه‌های تربیتی است و زحمات بسیاری در مسیر آشنایی جوانان و نوجوانان با وجود مقدس ائمه معصومین(علیهم السلام) نیز کشیده است، نقل می‌کرد: خداوند به من فرزندی عطا فرمود که در سن جوانی از مسیر صلاح منحرف شد و اعمالش باعث سرافکندگی من می‌شد و در عوض همسایه‌ای داشتیم که انسان مقید و آدم سالمی نبود اما خدا فرزندی پاک و جوانی شایسته به او عنایت کرده بود.

روزی با شنیدن خبر یکی از کارهای زشت پسرم عصبانی شده به حرم مطهر امام رضا(سلام الله علیه) مشرف شدم و از حضرت بسیار گله کردم که چرا پسر من که عمرم را برای خدمت به شما گذرانده‌ام اینچنین و فرزند همسایهٔ منحرفم آنچنان باشد!

همان شب در عالم خواب، علی بن موسی الرضا(سلام الله علیه) را دیدم و حضرت فرمودند: می دانی چرا چنین شده است؟ چون وقتی فرزند تو به دنیا آمد در دل شروع به نقشه کشیدن کردی و برای تربیتش فقط به معلومات و تجربیات تربیتی خود دل بستی و مغرور شدی.

اما همسایه‌ات با همهٔ بدی‌هایش، روزی که فرزندش متولد شد حتی به

حـــرم ما نیامد و از داخل خیابان چشـــم به گنبد دوخت و گفت: شـــما که می دانید من بلد نیستم کسی را تربیت کنم و اگر می‌توانستم تربیت کنم، خودم را تربیت می‌کردم پس به شـــما اعتماد می‌کنم و فرزندم را به دستتان می‌سپارم، خودتان او را آنگونه که دوست دارید تربیت کنید.

فرزند او را ما تربیت کردیم و فرزند تو را خودت!

و چه زیبا می شـــود اگر کسی در عین رعایت کامل قوانین علمی و تجربی تربیتی، نتیجه به کار بستن همه تکنیک‌های تربیتی خود را به اهل بیت(علیهالسلام) واگذار کند. گفته‌اند که یکی از لازمه‌های ظهور امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشـــریف) وجود ۳۱۳نفر فرماندهان سپاه حضرت است.

آیـــا تا به حال به این فکـــر کرده‌اید که این ۳۱۳ نفر بایـــد از کجا بیایند و چطور ساخته شوند؟

آیا باید از آسمان بیایند؟

آیا غیر از من و تو و فرزندان ما، افراد دیگری باید این جمعیت را تشـــکیل دهند؟

پس باید به این بیاندیشـــیم که اگر خودمان نتوانســـتیم یکی از آنها باشیم حداقل در تربیت دیگران تلاش کنیم تا شـــاید یکی از آنان به دســـت ما تربیت شـــود و در غیراین صورت باید گفت: ما هم در تاخیر فرج امام زمان‌مان مقصر هستیم.

با در نظر گرفتن این واقعیت خواهیم یافت که میان کلمهٔ «مربی» و کلمهٔ «والدین» تفاوت چندانی وجود ندارد و برای آنها وظایف و اصول مشترکی است که باید در امر خطیر تربیت که به عهده آنهاست رعایت شود.

● فصل چهارم

اصول کار تربیتی

قوانین الزامی

برخـــی قوانین، برای هر فردی که وارد عرصه‌های فرهنگی و تربیتی شــده باشد، لازم الاجرا است در صورت عدم تبعیت و رعایت این قوانین، یا کار اصلا نتیجه‌ای نخواهد داشــت و نتیجه ناقص است و یا فرد را مجبور به کناره‌گیری از وادی فرهنگ و تربیت می‌کند.

مــا در این مجال به برخـــی از مهم‌ترین اصول تربیتی اشــاره خواهیم کرد که رعایت نکردن آن توســط والدین نیز می‌تواند خستگی و آشفتگی آنها را از رفتارهای فرزند خویش به دنبال داشته باشد:

۱) صبر:

وقتی به زندگی و سیرهٔ مربیانی که خداوند متعال جهت تربیت و هدایت بشریت فرستاده، یعنی حدود صد و بیست و چهار هزار پیامبر، اوصیاء و جانشینان آنها و در مرحلهٔ بعد از آن، علما و بزرگان علمی و دینی، خوب می‌نگریم، این صفت را به صورتی برجسته‌تر از همه صفات مشاهده می‌کنیم.

همواره افرادی در طول تاریخ بوده، هستند و خواهند بود که به خاطر منافع شخصی و حتی مالی یا موقعیتی، از رشد و تکامل و پیشرفت انسان‌ها ناراحتند و با پرچمداران رشد، یعنی مربیان و معلمان در ستیز و مقابله قرار می‌گیرند و در این مسیر از هیچ آزار و اذیت، تهمت و جوّسازی منفی و یا سرمایه‌گذاری مادّی فروگذار نخواهند کرد.

امیر خوبی‌ها علی (سلام‌الله علیه) در خطبه شقشقیهٔ نهج البلاغه، نهایت صبر خویش در مقابل این نوع سختی‌ها را اینچنین بیان فرمود: «... فرایتُ أنَّ الصَّبرَ علیها تا أحجی، فَصَبَرتُ و فی العَینِ قَذیً، و فی الحلقِ شجاً ... فَصبَرتُ علی ملونِ المدّهِ، و شدَّهِ المِحنَهِ...» «... دیدم که صبر در این‌جا خردمندانه‌تر است، پس صبر کردم در حالی که گویا در چشمانم خاشاک و در گلویم استخوانی است... در این مدت دراز و در این شدت غم و محنت صبر کردم.»[11]

بهترین ویژگی برای مربی تربیتی آن است که پس از انتخاب هدف و اطمینان از درستی مسیری که در آن قدم گذاشته، نه بهانه‌گیری‌ها و بی‌مهری‌ها و نه حتی تشویق‌ها و تعریف‌های دیگران هیچکدام در او اثر نگذارد.

۱۱- نهج البلاغه: ترجمه دشتی / خطبه۳ / ص۴۴

درست است که انتقادهای دلسوزانه و همراه با پیشن‌هاد مهم است و باید مورد بررسی قرار گیرد اما از آن گذشته، در کاری که برای خدا باشد، فقط رضایت او مورد توجه است و بس.

به این مبحث از دیدگاه دیگری نیز می شود نظر افکند و آن این‌که؛ گاهی مربیان و مجریان تربیتی، انتظار زود بازدهی زحمات تربیتی خویش را دارند و می‌خواهند تمامی رفتارها و حرف‌هایشان، طرح‌ها و برنامه‌های‌شان و هزینه‌های خرج شده، نتیجه داده و زود هم به مرحلۀ ساخته‌شدن شخصیتی فرزندان برسند.

در حالی که طول زمان رشد، در هر انسانی با توجه به عوامل مختلفی چون تفاوت‌های استعدادی، تفاوت‌های ژنی، تأثیرات محیطی، سطح فرهنگ خانواده و غیره، متفاوت است.

گاهی «جوّی» ایجاد می‌کنیم و نتیجه‌ای می‌بینیم، غافل از این‌که چون این نتیجه، ریشه و اصلی ندارد، دوامی هم نخواهد داشت و مثل این است که برگ‌های سبز و زیبایی را به شاخه‌های برهنۀ یک درخت خشک شده با چسبی معمولی متصل کنیم که در این صورت با وزیدن ملایم‌ترین نسیمی، برگ‌ها از درخت جدا شده، بر روی زمین می‌ریزند.

تکرار، تمرین، مداومت و مراقبت لازم است تا یک رفتار یا صفت پسندیده در یک انسان، نهادینه شود و مربّی کم طاقت، هرگز نمی‌تواند حاصل کار خود

را برداشـــت کند. در یک مسابقهٔ طولانی اسبدوانی، سوارکاران به دنبال مرکب راهوار و اســـبی هســـتند که از همه ورزیده‌تر باشد و استقامت بالای او در طول مسیر، آنها را از موانع دشوار عبور داده، راه درازی را بدون خستگی طی کند تا آنها را به پیروزی برساند.

برای مســـابقهٔ بـــزرگ دنیا نیز، امیر مؤمنان علی (ســـلام الله علیه) مرکبی خوب پیشنهاد می‌فرماید: «مَن رَكِبَ مَركَبَ الصَّبرِ إهتَدَى إلى مِضمارِ النَّصر.»

«هر که بر مرکب صبر نشیند، به خط پایان پیروزی رسد.»[۱۲]

این مســـأله در مورد پدر و مادر نیز صدق می‌کند و آنها نیز باید برای تغییر یک رفتار در فرزند خویش از صبر برخوردار باشند و در صورت سپردن فرزندان خود به یک تشکل مناسب، انتظار تغییر سریع را نداشته باشند.

۲) عمل به علم:

تاثیر عمیق دعوت به خوبی‌ها، تعلیم و تبلیغ خوی‌های پسندیده از این‌جا سرچشـــمه می‌گیرد که شنونده، بداند گوینده از دل سخن می گوید و به گفتهٔ خویش، ایمان کامل دارد و بهترین نشـــانهٔ ایمان گوینده به ســـخنش این است که خود، قبل از دیگران به آن عمل کند همان‌طور که امیرالمؤمنین علی(سلام الله علیه) می فرماید: «ایها الناس إنی و الله ما احتكم علی طاعه إلّا و اســـبقكم إليها، و لا انه‌كم معصيه و اتناهى قبلكم عنها.»

«ای مردم به خدا ســـوگند شما را به هیچ طاعتی تشویق نمی‌کنم مگر قبلا خـــودم آن را انجـــام می‌دهم و از هیچ کار خلافی باز نمی‌دارم مگر این‌که پیش از شما از آن دوری جسته‌ام.»[۱۳]

مشـــهور است که شخصی در حالی که دســـت کودکش را در دست گرفته

۱۲- میزان الحکمه: ۲۹۶۴/۶.

۱۳- تفسیر نورالثقلین:۷۵/۱

بود خدمت رســـول گرامی(صلی الله علیه و آله و ســلم) رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا لطفا فرزنـــدم را نصیحت کنید و بفرمایید که کمتـــر رطب مصرف کند برایش مضر است.

پیامبر(صلـی الله علیه و آله و ســلم) از آن مـــرد عذرخواهی کرده فرمودند: لطف کنید فردا بیایید تا فرزندتان را نصیحت کنم.

مرد با تعجب بســـیار از خدمت حضرت مرخص شـــده، فردا دوباره بازگشت و عرض کرد: ای رســـول خدا من همانی هستم که دیروز برای نصیحت فرزندم خدمت رسیدم و فرمودید امروز بیایم.

پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) دستی به سر کودک کشیدند و با لحنی بسیار مهربانانه فرزند مرد را نصیحت کردند و از او قول گرفتند که کمتر خرما بخورد.

مرد تعجب کرد و پرسید: ای رسول خدا! مگر این چند جمله زحمتی داشت که دیروز نفرمودید و امر کردید امروز خدمت برسیم؟

و ایشان فرمودند: دیروز قبل از ورود شما کسی برایم مقداری رطب آورد و من چند عدد خوردم و به همین دلیل اگر به فرزندت می‌گفتم آنچه را که خود عمل نکرده بودم، حتما تاثیری نمی‌گذاشت.[۱۴]

اصولا آنچه توســـط پیشـــوایان دینی ما برای مبلغان و مربیان و حتی عموم مـــردم توصیه می شـــود، دعوت عملی اســـت و ایـــن مرحله در کلام ایشـــان، مقدم بر گفتار یا خوب صحبت کردن است.

امام صادق(سلام الله علیه) فرمودند: «کونوا دعاه الناس بأعمالکم و لا تکونوا دعاه بالسنتکم.»

«مردم را با عمل خود به نیکی‌ها دعوت کنید نه با زبان خود.»[۱۵]

این یک حقیقت آشکار است که یک مربی، معلم یا مدیر فرهنگی، عمر خود

۱۴- پند تاریخ:۴۷/۵.
۱۵- سفینه البحار: ۲۷۸/۲.

را در مسـیر تعلیم و تربیت صرف می کند و بخش عمده‌ای از وقت خویش را در ایـن راه، هزینه می‌کند. پس چـرا نباید با عمل به اندوخته‌های فکری خود و نکات خوبی که در صحبت‌ها، تعالیم، ارشـادها و مشاوره‌ها به دیگران توصیه می‌کند، از این همه، برای خود نیز توشه‌ای بردارد؟!

وقتی یک مربی، خود به گفته‌هایش عمل می‌کند، با یک تیر، چند نشـانه را هدف گرفته:

اول: در مسیر خودسازی قدم برداشته است.

مفضّل می گوید: محضر امام صادق (سلام الله علیه) رسـیدم و از ایشان پرسیدم: رستگار به چه چیز شناخته می شود؟ و حضرت فرمودند: «مَن کانَ فِعلُهُ لِقَولِهِ مُوافِقاً فَأثبَتَ لهُ الشَّـهادَةَ و مَن لَم یَکُن فِعلُهُ لِقَولِهِ مُوافِقاً فَإنَّما ذلکَ مُستَودَعٌ.» «آنکـه کردارش موافق گفتارش باشـد، گواهی نجات او قطعی اسـت و هر که کردارش موافق گفتارش نباشد، دین و ایمان او عاریتی است.»[۱۶]

دوم: تأثیر قلبی و معجزه‌آسای کلامش را بیشتر می‌کند.

حضرت صادق (سلام الله علیه) فرموند: «إنَّ العالِمَ إذا لم یَعمَل بِعِلمِهِ زَلَّت مَوعِظَتُهُ عَـنِ القُلُوبِ کَما یَزِلُّ المَطَـرُ عَنِ الصَّفا.» «چون عالم به دانش خود عمل نکند، انـدرز او در دل‌ها کارگر نمی‌افتد و از آنها فرو می‌ریزد همانگونه که دانهٔ باران از سنگ صاف فرو می‌ریزد.»[۱۷]

سوم: عمل او در مقابل متربی یک نوع یادآوری یا تکرار تذکرات است.

چقـدر دردآور اسـت، تصور ایـن مطلب که روز قیامت فـردی روانه دوزخ باشد و آماده عذاب، ببیند در مقابل چشمانش، کسانی را به بهشت می‌برند که اعمالشـان نتیجه صحبت‌های اوسـت و در واقع او بانی بهشتی‌شدن آنها شده است و حال آنکه خود بهره‌ای نبرده و عملی برای آن روز ذخیره نکرده است.

۱۶- اصول کافی: ۱۱۳/۱۰۴/۱ (کتاب فضل العلم).

۱۷- همان.

عجب حسرتی...!

امیر مؤمنان علی (سلام الله علیه) فرمود: شنیدم از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که خبر می داد از این حسرت و می فرمود:«العُلَماءُ رَجُلانِ؛ رجلٌ عالمٌ آخذٌ بِعِلمِه فهذا نــاجٍ. و عالمٌ تاركٌ لِعلمِهِ فهذا هالكٌ و إنَّ أهلَ النّارِ لَيَتَأذَّنَ مِن ريحِ العالمِ التّاركِ لِعلمِهِ و إنَّ أشَدَّ أهلِ النّارِ نَدامَةً و حَسرةً رجلٌ دَعا عبداً إلى اللهِ فَاستَجابَ لَهُ و قَبِبَ مِنهُ فأطاعَ اللهَ فَأدخَلَهُ اللهُ الجَنَّةَ و أدخَلَ الدّاعِيَ النّارَ بِتَركِهِ عِلمَهُ و اتّباعِهِ الهَوَى و طُولِ الأمَلِ، أمّا اتّباعُ الهَوى فَيَصُدُّ عَنِ الحَقِّ و طولُ الأمَلِ يُنسِي الآخِرَةَ.»

«دانشمندان دو قسم‌اند: عالمی که دانش خود را به کار بسته و این رستگار است و دانشمندی که دست از دانش‌اش گسسته و این هلاک شده است. همانا دوزخیــان از بوی بد دانشــمند بی‌عمل در آزارند و میان دوزخیان، حســرت و پشــیمانی آنکس بیشــتر است که در دنیا بنده‌ای را به سوی خدا فراخواند و او دعوتش را بپذیرد و اطاعت خدا نماید و خدا به بهشت راهش داده است و خود دعوت کننده را به ســبب فرو گذاشتن دانش و پیروی از هوس و طولانی بودن آرزوهایــش به دوزخ افکنده اســت. زیرا پیروی از هــوس، راه حق را می‌بندد و درازی آرزو، آخرت را به فراموشی می‌سپارد.»[۱۸]

باید توجه داشــت که این اصل، علاوه بریک اصل تربیتی، یک اصل انسانی اســت که نه تنها مربیان بلکه همهٔ والدین یا اصلاً همهٔ انسان‌ها باید در رعایت آن کوشا باشند.

۳) تغافل:

امام باقر (سلام الله علیه) فرمودند: «اگر دین را یک پیمانه در نظر بگیریم، دو سوم این پیمانه تغافل است.»[۱۹]

۱۸- همان.

۱۹- سفینه البحار: ۳/ ۸۰۳.

برخی مربیان و متصدیان امور تربیتی یا حتی بعضی والدین، گمان می‌کنند معنای تربیت، فقط نصیحت یا تنبیه است و به همین منظور به دنبال نقطه ضعف یا اشتباهی از سوی نوجوان هستند تا بهانه‌ای برای این امر باشد.

این‌جاست که نوجوان علاوه بر از دست دادن حس اعتماد به نفس و مبتلا شدن به وسواس یا شک در امور، همیشه خود را مجرم و دیگران را پلیس خود می پندارد که البته از بدترین پیامدهای این حالت، گوشه‌گیری، انزوا و شکست‌های پی‌درپی در کارها خواهد بود.

پیامبر عزیزمان(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «لا تَطلُّبوا عَثَراتِ المؤمنین؛ فإنَّ مَن تَتَبّعَ عَثَراتِ أخیهِ تَتَبّعَ اللهُ عَثَراتِهِ، وَ مَن تَتَبّعَ اللهُ عَثَراتِهِ یَفضَحهُ و لو فی جَوفِ بَیتِهِ.»

«لغزش‌های مسلمانان را نجویید که هرکس لغزش‌های برادرش را پی‌جوید، خداوند لغزش‌های او را پیگیری می‌کند و هرکه را که خداوند عیب‌جویی کند رسوایش می‌سازد، هر چند در مخفی‌ترین قسمت خانه خود پنهان شده باشد.»[۲۰]

از بهترین راه حل‌های پیشنهادی دین، برای این موارد، تغافل است که به معنای نادیده گرفتن ضعف‌ها و اشتباهات یا نکات منفی فرزندان می‌باشد.

گاهی به گونه‌ای عمل می‌کنی که نوجوان احساس می‌کند، تو متوجه اشتباهش شدی ولی به خاطر بزرگواری، بی حوصلگی، بی اهمیتی یا به هر دلیل دیگر به رویش نمی‌آوری و گاهی او گمان می‌کند اصلا تو متوجه کار او نشدی که این برخورد دوم، معنای تغافل است.

بزرگترین نتایجِ این شیوه تربیتی، دریده نشدن حجاب‌های شرم و حیا، حفظ ابهّت مربی یا والدین و حفظ کثرت قبح آن عمل در ذهن نوجوان است.

۲۰- کافی: ۲/ ۵/۳۵۵

باید مراقب بود نوجوان احساس نکند پدر و مادر یا مربی، بسیار ساده‌لوح یا بی‌توجه هستند و اشتباه مکرر او را نمی‌بیند و عادت به گناه یا اشتباه کند.

وقتی گفته اند دو سوم پیمانه، تغافل است یعنی تا جایی که احساس خطر نمی‌کنید و می‌توانید اشتباهات را به حساب کنجکاوی کودکانه، عدم آگاهی یا وسوسه لحظه‌ای شیطان بگذارید یا ریشهٔ آن را امری بیرونی تشخیص می‌دهید که قابل از بین بردن و اصلاح است، این شیوهٔ تربیتی را به کار ببرید. در غیر این صورت، به یک سوم دیگر پیمانه، یعنی برخورد مناسب رجوع کنید.

۴) ایجاد صمیمیت:

یک نقاش تا صفحهٔ مناسبی برای نقش‌زدن نداشته باشد، هرگز هنرش به مرحلهٔ ظهور و بروز نمی رسد. یک کشاورز تا زمانی که به سختی زمین غلبه نکرده و در آن نفوذ ننموده باشد تا شخمی بزند و بذری بکارد، هرگز امید جمع‌آوری محصول ندارد.

غالباً شخصیت انسان‌ها در دوران نوجوانی، به خاطر وجود قوهٔ تفکر و تعقّل، و وجود غرایزی همچون ترس، خجالت و حجب و حیا، بسیار سخت بوده، نفوذ در آن مشکل است، ولی اگر به وسیلهٔ ابزار و تکنیک‌های مناسب از این پوستهٔ ظاهری شخصیت افراد عبور کرده خود را به زمین بایر قلب انسان برسانیم، هر نوع بذری را پذیراست و مانند یک خمیر بازی در دست قابل تغییر خواهد بود.

برای همین است که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) وقتی می‌خواهند مهم‌ترین تجربیات خود را در قالب نامه‌های برای فرزندشان امام مجتبی (علیه‌السلام) بنویسند و ایشان را از برخی اسرار آگاه کنند، همین دورهٔ نوجوانی را انتخاب می کنند که قلب، آمادگی بیشتری دارد و اوج آمادگی دل برای پذیرش است و می‌فرمایند: «إنّما قلبُ الحَدَثِ کَالأرضِ الخالیةِ ما أُلقِیَ فیها مِن شَیءٍ قَبِلَتهُ ...»

«قلب نوجوان همچون زمین خالی اســت که هر چه در آن افکنده شــود، می‌پذیرد...»[۲۱]

ایجــاد صمیمیــت و نفوذ در قلب افراد و داشــتن ارتباطــی مؤثر، یک هنر اســت که مربی حتماً باید از آن برخوردار باشد و چقدر سخت است اعتراف به این مسأله که متأســفانه گاهی حتی والدین در برقراری این ارتباط با فرزندان خویش مشکل دارند.

از میان تکنیک‌ها و روش‌های متعددی که توسط روانشناسان و نویسندگان تربیتی ارایه شــده، فقط به چند بُمب ارتباطی که بیشــترین تأثیر را بر ایجاد صمیمیت یا افزایش آن می‌گذارد، اشاره خواهیم کرد.

الف) خوب‌شنیدن را تمرین کنیم

یــک مربی، می‌تواند با خوب‌شــنیدن و کمتر حــرف‌زدن، به دو دلیل تأثیر کلام خویش را افزایش داده، بر محبوبیت خود بیافزاید؛ اول: آنکه هر چه انسان کمتر ســخن بگوید، از آفات بدزبانی نظیر: مسخره کردن، دروغ، تهمت، غیبت و ... که همگی از بین برنده شــخصیت حقیقی انســان و باعث بدبینی اجتماع و کم شــدن اعتماد دیگران به انسان می شود، دوری نموده است. همانطور که هر ســال ادارهٔ راهنمایی و رانندگی نتیجهٔ آمار خویش پیرامون خطرســازترین وســیلهٔ نقلیهٔ ســال را اعلام کرده و به مردم هشــدار می دهند، وجود مقدس ائمه معصومین (علیهم السلام) نیــز در موقعیت‌های گوناگون و با بیان‌های متفاوت هشــدار داده اند که خطرســازترین و گناه‌ســازترین عضو از اعضای بدن انسان زبان اوست.

پیامبر گرامی اســلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره چنین فرموده‌اند: «أكثَرَ

۲۱- نهج البلاغه، نامهٔ ۳۱

خَطایا ابنِ آدمَ فی لِسانِهِ.»

«بیشترین خطاها و گناهان آدمیزاد در زبان اوست.»[۲۲]

دوم: هر چه انسان کمتر سخن بگوید، همان سخنان کم او از اهمیت بیشتری برخوردار شده، دیگران منتظر سخن گفتن او می مانند و با اشتیاق بیشتری سخنانش را شنیده و می پذیرند، همانطور که امیر مؤمنان، حضرت علی (سلام الله علیه) می فرمایند: «مَن حَفِظَ لِسانَهُ أکرَمَ نَفسَهُ.»

«هر که زبانش را نگه دارد، خودش را گرامی داشته است.»[۲۳]

> **«اصولاً انسان‌ها بیشتر دوست دارند، صحبت کنند تا اینکه شنونده باشند و به همین خاطر است که اگر کمی با دقت به حرف‌هایشان گوش دهید، جای زیادی در قلبشان باز می‌کنید و بسیار محبوب می‌شوید.»**

نکته این‌جاست که فقط گوش دادن کافی نیست بلکه باید متکلم، مطمئن شود که شما خوب و با دقت زیاد به حرفش گوش می‌دهید.

حضرت علی (سلام الله علیه) می فرمایند: «مَن أحسَنَ الإستِماعَ تَعَجَّلَ الإنتِفاعَ.»

«هر که خوب گوش کند، زود بهره‌مند شود.»[۲۴]

نگاه کردن به ساعت یا در و دیوار، خیره شدن به چهرهٔ متکلم و با سکوت سر را تکان دادن و یا سؤالاتی مانند: «چی؟» یا «چی گفتی؟» یا جملاتی از قبیل:

۲۲- المعجم الکبیر ۱۰۴۴۶/۱۹۷/۱۰.

۲۳- غررالحکم: ۸۰۰۵.

۲۴- غررالحکم ۹۲۴۳

«از اول بگو...» نماینگر بی توجهی شما به کلام مخاطب است و نه تن‌ها محبتی را زیاد نکرده و صمیمیتی به وجود نمی‌آورد بلکه باعث سردی روابط می شود.

«هنگامی که فرصت شنیدن ندارید، بهترین کار این است که عذرخواهی کرده، وقت بهتری را برای راحت گوش دادن مشخص کنید و باور کنید که این کار، تأثیر بهتری از این پا و آن پا کردن و به زور تحمل نمودن سخنان مخاطب در او خواهد داشت.»

والدین عزیز، توجه داشته باشید: هنگامی که متمرکز بر انجام کاری هستید یا خسته و بی حوصله‌اید و فرزندتان بدون ملاحظهٔ این موقعیت، شروع به صحبت کردن با شما می کند یا سؤالی می‌پرسد، اگر نمی‌توانید گوش سپردن و پاسخ دادن به فرزندتان را در اولویت قرار دهید، حتما از او عذرخواهی کنید و مؤدبانه خواهش کنید بعداً حرفش را بزند.

خانمی که برای مشاوره، مراجعه کرده و مشکلاتش را زیاد و غیر قابل تحمل می‌دانست، با نگرانی و اضطراب زیاد وارد اتاق شد، بعد از یک سلام و احوال‌پرسی کوتاه و ساده فقط پرسیدم: «مشکل چیست؟» و او شروع به گفتن مسأله کرد و این طرح مسأله حدود دو ساعت به طول انجامید و من فقط در این میان چند سؤال کوتاه مانند: «کجا؟»، «کی؟» و «دقیقا چطور؟» مطرح نموده گاهی با یک تغییر چهره یا سر تکان دادن برخی چیزها را تأیید یا رد نمودم.

پس از این مدت طولانی که حتی فرصت برای نفس کشیدن اندک بود و فقط به بیان مشکل سپری شد، خانم نفسی کشید و بسیار تشکر کرد که

بزرگترین کمک و راهنمایی‌ها را از مشاورهٔ با شما به دست آوردم و تاکنون هر جا می‌رفتم، راه حل‌های غیرعملی و مشکلی را پیشنهاد می کردند که با شرایط زندگی من مناسب به نظر نمی رسید و گمان می‌کنم مشاوره و نظرات شما بسیار کارگشا باشد و خداحافظی کرد و رفت.

یک هفته بعد، تماس مجددی از طرف همان خانم داشتم و پس از تشکر بسیار نتیجه مشاوره را رضایت‌بخش اعلام کرد و خبر برطرف‌شدن مشکلات مطرح شده در جلسهٔ مشاوره را با خوشحالی تمام بیان نمود!

> **در بسیاری از مواقع، افراد سخن نمی‌گویند تا تو راه حلی نشان بدهی و یا نظر خویش را بگویی، بلکه می‌گویند که تو خوب گوش بدهی؛**

بنابراین شنوندهٔ خوب، کسی است که از این امور بپرهیزد و فقط خوب گوش دهد و این نهایتِ زیرکی یک مربی را می‌رساند که در این خوب گوش دادن، در پی کسب اطلاعات مناسب از مخاطب برآمده، در ارتباطات بعدی از آن نهایت استفاده را به عمل آورد.

گاهی با دقت گوش سپردن به درد دل فرزندان از سوی والدین، برای ایشان از هزار مرتبه هدیه خریدن و هزینه‌های سنگین، ارزشمندتر است.

امام باقر (سلام الله علیه) می‌فرمایند: «إنَّ هذا اللِّسانَ مِفتاحُ كلِّ خيرٍ و شرٍّ، فَيَنبَغي لِلمُؤمنِ أن يَختِمَ عَلى لِسانِهِ كَما يَختِمُ على ذَهَبِهِ و فِضَّتِهِ.»

«راستی که این زبان، کلید هر خوبی و بدی است. پس سزاوار است که مؤمن

بر زبان خود مُهر زند، همانگونه که بر کیسهٔ زر و سیم خویش مُهر می‌زند.»[۲۵]

ب) کشف علاقه‌های مخاطب:

همه انسان‌ها در طول روز، به اموری مشغولند که برخی از آن را به صورت الزامی و به عنوان وظیفهٔ خود انجام می‌دهند که البته بعضی در انجام آن وظایف موفق و عده‌ای ناموفقند. مانند یک نوجوان که موظف به تحصیل شده و بخش عمده‌ای از وقت خود را در این جهت صرف می‌کند. در هر صورت، چه این نوجوان در امر تحصیل موفق باشد یا نباشد، معلوم نیست که تحصیل برای او به عنوان یک علاقه نیز مطرح باشد!

وظیفهٔ مربی است که علاقه‌های نوجوان را کشف کرده، به صحبت پیرامون آن بپردازد و حتی برخی طرح‌های تربیتی خود را با توجه به این علاقه‌ها برنامه‌ریزی و اجرا کند.

«عموماً انسان‌ها دوست ندارند راجع به آنچه وظیفهٔ آن‌ها محسوب می‌شود، صحبت کنند؛ چه در آن وظیفه موفق باشند و چه نباشند.»

معمولاً انسان‌ها در صحبت‌های خود از علاقه‌ها و آنچه دوست دارند، صحبت می‌کنند و با اشتیاق زیادی به سؤال‌هایی که در این رابطه از آنها می‌شود، پاسخ

۲۵- تحف العقول: ۱۹۸ .

می‌دهنـــد؛ بنابراین اگـــر مربی، کمی تکنیک قبلی را بـــه خوبی تمرین کرده و خـــوب گوش دادن را فرا گرفته باشـــد، می توانـــد در ضمن صحبت‌های طرف مقابل، از آنچه که بیشتر مورد علاقه اوست، باخبر شود.

بنابراین، یکی از بدترین سؤال‌هایی که می‌شود در هنگام مواجه شدن با یک نوجوان از او پرســـید، این است که: «با درس‌ها چطوری؟» یا «از امتحانات چه خبر؟» بلکه برای شـــروع صحبت، مناســـب است به یکی از هنرها یا برنامه‌های جنبی مورد علاقهٔ او اشـــاره کرد و مثلاً پرســـید: «از تیم فوتبالت چه خبر؟» یا «تابلوی جدید چه کشیدی؟»

جالب این‌جاســـت کـــه در اغلب موارد، توجه مربـــی و والدین به علاقه‌ها و دلمشـــغولی‌های بچه‌ها، باعث تشـــویق آنان به کسب موفقیت در وظایف دیگر نیز می‌شود.

ج) اصل انعطاف‌پذیری:

محققان انسان‌ها را دارای سه نوع کیفیت: «شنیداری یا سمعی، دیداری یا بصری و کیفیت لمسی» می‌دانند.[۲۶]

در هـــر فردی، یکی از این کیفیت‌ها بیش از دوتـــای دیگر بروز و ظهور دارد و کشـــف آن کیفیت برتر در افراد، توسط مربی و ابراز محبت به آنها از طریق همین کیفیت فردی، می‌تواند درصد صمیمیت و نفوذ در افراد را بیشتر کند. هرکدام از این کیفیت‌های فردی، تأثیر مستقیمی بر روش‌های ابراز محبت مورد پسند افراد داشته و ملاک‌های آنها را برای درک محبت از سوی اطرافیان تغییر می‌دهد.

در این‌جـــا بـــه صورت اجمالی و گذرا به توضیح این ســـه کیفیت و شـــیوهٔ برقراری ارتباط مؤثر با هرکدام فقط اشاره‌ای خواهیم کرد:

۲۶- صمیمیت، تأثیرگذاری و نفوذ در ۱۰ دقیقه:۳۱

ویژگی‌های بصری‌ها:

بیشتر صحبت می‌کنند.

سریعتر صحبت می‌کنند، آن‌قدر که برخی حروف از کلماتشان جا می‌افتد.

هیجانی‌ترند.

از حرکات دست به هنگام سخن گفتن بسیار استفاده می‌کنند.

برای ابراز نظرات خود عجله دارند.

وقتی ماجرایی را تعریف می‌کنند، طوری صحبت می‌کنند که مخاطب آن را در ذهن به تصویر بکشد.

به تماشاکردن یک فیلم یا دیدن یک تصویر بیشتر علاقمندند تا شنیدن یک موسیقی، سخنرانی یا مطالعهٔ کتاب.

به این‌که از نظر دیگران چگونه اند بسیار حساسند و برای خرید یک لباس از چند نفر نظر می‌خواهند.

در بصری‌ها چگونه نفوذ کنیم؟

به احترامشان بلند شوید.

در برخورد با آنها ظاهری آراسته و پاکیزه داشته باشید.

خوشحالی خود را از ملاقات با آنها به وسیلهٔ تغییر چهرهٔ خود ابراز کنید.

پرشورتر و با هیجان بیشتر با آنها صحبت کنید.

مختصر و مفید بگویید و از توضیح و تفسیر پرهیز کنید.

هنگام سخن گفتن از حرکات دست و چهره بهره ببرید.

در صورت خرید هدیه برای آنها، به بسته‌بندی آن دقت کنید.

به بصری‌ها گل هدیه بدهید.

از والدین عزیزی که فرزندی بصری دارند، خواهش می‌کنم بیشتر از اصرار خود به بیان نصیحت، رفتار خوب خود را سرمشق فرزندشان قرار دهند.

ویژگی‌های سمعی‌ها:

شمرده، شیوا و رسا صحبت می‌کنند.
کمی آرامتر از بصری‌ها هستند.
طنین و آهنگ را خوب به خاطر می‌سپارند و در تقلید صدا مهارت دارند.
به آنچه پشت سرشان گفته می‌شود، حساسند.
شنیدنِ صوتی دلنشین را به تماشای فیلم ترجیح می‌دهند.

در سمعی‌ها چگونه نفوذ کنیم؟

آنها را تحسین کنید.
مراقب کلامتان باشید که خالی از طعنه و کنایه باشد.
نه خیلی خلاصه صحبت کنید و نه تفسیر و توضیح زیاد بدهید.
به گفتار آنها بیش از بقیه گوش کنید.
برای ابراز محبت به آنان، از کلام بهره ببرید.

ویژگی‌های لمسی‌ها:

از آنچه به وسیلهٔ حواس خود لمس کرده‌اند، بیشتر حرف می‌زنند.
بسیار آرامند.
احساس عمیق‌تری نسبت به سایرین دارند.
متانت خاصی در رفتارشان نهفته است.
گاهی بر اثر تحرک کم، کمی فربه‌تر از دیگرانند.

در لمسی‌ها چگونه نفوذ کنیم؟

آنها را در آغوش بگیرید.
دستان‌شان را به گرمی بفشارید.

تقدیر، تشکر و تحسینتان را با بوسیدن ابراز کنید.
از شوخی‌های فیزیکی جداً پرهیز کنید.
با آنها ملایم و آرام و با تُن صدای پایین صحبت کنید.
چقدر تأسف برانگیز است این‌که برخی والدین و خصوصاً پدرها برای ابراز محبت‌های اینچنینی به فرزند لمسی خویش، خجالت می‌کشند.

> **این مهم نیست که تو دارای کدامیک از این کیفیت‌های فردی هستی، بلکه مسأله این‌جاست که باید انعطاف پذیر باشی و در برخورد با هر یک از این سه ویژگی رفتار مناسب را ارایه کنی تا در قلب دیگران نفوذ نمایی.**

گاهی ممکن است، یک مربی بسیار وقت صرف کند یا هزینهٔ زیادی متقبّل شود تا با ابراز محبت بتواند به نوجوانی نزدیک شود؛ ولی چون به زبان خود ابراز محبت می‌کند و کیفیت فردی خویش را لحاظ می‌نماید، صمیمیتی ایجاد نمی‌شود و رفته رفته احساس خستگی و ناتوانی می‌کند.

از تطبیق نشانه‌های بیان شده، برای هر کدام از کیفیت‌های فردی، به اضافهٔ شنوندهٔ خوب بودن، می‌توان از صحبت‌های افراد و حالت‌های صحبت‌کردن‌شان تشخیص داد که جزو کدام دسته هستند و باید چه نوع برخورد یا ابراز محبت را برای آنان انتخاب کرد. البته راه دیگری هم وجود دارد؛ این‌که با به وجودآوردن زمینه‌ای مناسب، از نوجوان تقاضا کنیم تا یک خاطره تعریف کند و در ضمن بیان خاطره، دقت کنیم که بیشتر از

شـــنیده‌ها ســـخن می‌گوید یا دیده‌ها یا چیزهایی که لمس کرده؛ به هر کدام از این کیفیت‌ها که توجه بیشتری داشت و از آن بیشتر سخن می‌گفت، نمایانگر کیفیت فردیِ غالب در اوست.

• فصل پنجم

ویژه مربیان تربیتی

چاشنی احساسات

اگر از شـما بپرسـند، مواردی که یک مربی باید در آن مهارت داشته باشد چیست؟ ممکن است، لیسـتی مفصل از مهارت‌ها و تکنیک‌ها فراهم کنید که برخی از آن عبارتند از «شیوه‌های کلاسداری، روش‌های اردوداری، مهارت‌های فـردی (مثل اعتماد به نفـس، تمرکز، تندخوانی و ...)، روش‌های ارتباط مؤثر، مدیریتِ زمان، فنون مشـاوره، آشنایی با شـبهات اعتقادی، آشنایی با هنرها، ورزش‌ها و مشاغل، احکام، اخلاق و ...».

اما بسـیار دیده می شـود افـرادی که در ابتدای مسـیر تربیت، با جدیت و پشـتکار زیـاد، تمامی این فنـون را از طریق شـرکت در دوره‌های معتبر یا

مطالعـهٔ نظریـات و مطالب روانشناسـی در مجلات یا کتاب‌های روانشناسـی تربیتـی، فرامی‌گیرند ولی در مرحلهٔ عمل با نتایج کاملاً معکوس مواجه شـده، در نوجوان نتیجه و تأثیری از آموخته‌ها و تجارب خود مشاهده نمی‌کنند. باید تمام تئوری‌ها و مطالب خشکِ نظری را همراه با چاشنی مناسب به افراد تزریق کنی که آن چاشنی مناسب چیزی نیست، جز احساسات و عاطفه.

اگر قرار اسـت به یک نوجوان سـمعی بگویی: «دوسـتت دارم.» گفتن این جمله و فقط لبخندزدن به صورتی که دندان نمایان باشد و حالت چهره عوض شـود، کافی نیست. بلکه باید عمیقاً مخاطب را دوست داشته باشی و از صمیم قلب این جمله را به زبان آوری نه فقط به صورت تصنّعی و کلیشه‌ای.

البته با گذشت زمان، عنصر بسیار مهم‌تری به نام تجربه نیز به این معجون اضافه خواهد شـد و اکسـیری از مطالعه، احساس و تجربه را برای نتیجه‌گیریِ بهتر خواهد ساخت.

شلخته نباشید

مربی به عنوان پشـتیبان و تکیه‌گاه قابـل اعتماد و مورد اطمینان نوجوان، باید از علایم ظاهری این صفات که آراستگی، وقار، نظم و نظافت، ابهّت و قدرتِ بدنی لازم است، برخوردار باشد.

امام صادق (سـلام الله علیـه) خطاب به عبید بن زیاد فرمود: «إظهارُ النِّعمَهَ أحبُّ إلـی اللهِ مِـن صِیانَتِها، فإیّاکَ أن تَتَزَیَّنَ إلّا فی أحسـنِ زِیِّ قَومِکَ.» «آشـکار سـاختن نعمت نزد خدا، محبوبتر از اندوختن آن اسـت. پس، خود را آراسـته مکن، مگر در نیکوترین نوعِ لباس مردم خویش.»[۲۷]

۲۷- کافی: ۶/۴۴۰/۱۵

اصول مشاوره

مربی نمونه کسی است که در کنار طرح‌های تربیتی، مشاور خوبی برای نوجوان بوده و از خصوصیات یک مشاور خوب همچون موارد زیر برخوردار باشد:

الف) از تعصبات دور باشد و فرهنگ‌ها را به رسمیت شناخته برای آنها احترام قایل باشد.

ب) از برچسب‌زدن‌های کلیشه‌ای دوری جسته و فرهنگ برخورد با افکار متقابل را دارا باشد.

ج) آگاهی و اطلاعات خود را با تحولات روز منطبق کند.

د) قادر به استفاده از انواع پیام‌های کلامی و غیرکلامی باشد.

امام صادق (سلام الله علیه) فرمودند: «إنَّ المَشوَرَةَ لا تکونُ إلّا بِحُدُودِها الأربعهِ... فَأوَّلُهـا أن یکونَ الذی تُشاوِرُهُ عاقِلاً، وَ الثانیهُ حُرّاً مُتَدَیِّناً، و الثالثه أن یکون صدیقاً مُواخیاً، وَ الرابعهُ أن تُطلِعَهُ علی سِرِّکَ فَیکونَ عِلمُهُ به کَعِلمِکَ ثُمِ یُسِرَّ ذلکَ وَ یَکتُمَهُ.»

«مشورت جز با مرزهای چهارگانهٔ آن صحیح نیست... نخستین مرز آن این است که کسی که با او مشورت می‌کنی خردمند باشد؛ دوم این است که آزاده و دیندار باشد؛ سوم این که دوست و برادر تو باشد و چهارم این که راز خود را به او بگویی و او به اندازهٔ خودت از آن راز آگاه باشد، اما آن را بپوشاند و به کسی نگوید.»[۲۸]

خط قرمزها را رعایت کنید

در فرهنگ دینی ما چهارچوب‌های مشخص و بسیار ظریفی برای ابراز محبت‌های لمسی وجود دارد. خصوصاً دربارهٔ ابراز محبت‌های این چنینی،

۲۸- مکارم الأخلاق: ۲۲۸۰/۹۸/۲ .

به نوجوانان هشــدارهای جدّی و اعلام خطرهای شدیدی شده است؛ بنابراین، مربی باید در این زمینه از اطلاعات کافی دینی و مسایل شرعی برخوردار بوده، با دقت و حساسیت زیادی که مانع از افتادن به دام گناه، یا مورد تهمت دیگران قرار گرفتن است، رفتار کند و حتماً در این زمینه با یک کارشناس مذهبی در ارتباط باشد.

به عنوان نمونه: امام صادق (سلام الله علیه) می‌فرمایند: «لیسَ القُبلَه علی الفَمِ إلّا للزَّوجهِ و الوَلَدِ الصَّغیرِ.»

«بوسیدن دهان روا نیست، مگر از همسر و فرزند خردسال.»[۲۹]

حجاب‌ها را از بین نبرید

در هنگامِ مشاوره پیرامون مشکلات جنسی، و تذکر یا ارایهٔ راه حل مناسب در این مورد، مواظب از بین رفتن شرم و حیا باشید و نوجوان را در به‌کارگیریِ الفــاظ رکیک، به این بهانه، تشــویق نکنید. نه‌تنها به‌کاربردن الفاظ و تشــریح برخی اعمال، گناه محســوب می‌شود، بلکه کاملاً ضد تربیتی است؛ و اصل اقرار به گناه در دین ما بســیار ناپسند است؛ تا آن‌جا که در برخی فرمایشات دینی، این کار از ارتکاب خودِ گناه، زشت‌تر است.

دین ما خدا را ســتارالعیوب معرفی می‌کند و فقط او را شایســتهٔ شــنیدن اقرارهــا و آمرزش آن می‌داند. بنابراین بهتر اســت به جــای آنکه نوجوانی که مرتکب عمل گناهی شــده و از کار خود پشیمان اســت و به دنبال راهی برای توبــه یا تــرک آن عمل می‌گردد را بــه اقرار و تعریفِ عمل، تشــویق کنیم، به او آمــوزش دهیــم که مثلاً این‌گونه ســؤال کنــد: «اگر کســی مرتکب چنین کاری شــده باشــد، باید چه بکند؟!» این دقیقاً همان شیوهٔ تربیتی امام مهربان

۲۹- کافی: ۲/۱۸۶/۶.

حضرت علی(سلام الله علیه) است:

أتی رجلٌ أمیرَالمُؤمنینَ (سلام الله علیه) فقال: یا أمیر المؤمنینَ، إنّی زَنَیتُ فَطَهِّرنی، فَأعرَضَ أمیرُالمؤمنین بوَجهِهِ عَنهُ، ثُمَّ قالَ لَهُ: إجلِس، فأقبلَ علیٌّ (سلام الله علیه) علی القَومِ فقالَ: أیَعجِزُ أحَدُکُم إذا قارَفَ هذِهِ السَّیِّئَه أن یَستُرَ علی نَفسِهِ کما سَتَرَ اللهُ علیه؟!

مردی خدمت امیرالمؤمنین(سلام الله علیه) آمد و عرض کرد: ای امیر مؤمنان من زنا کرده‌ام، مرا پاک گردان. امیرالمؤمنین(سلام الله علیه) رویش را از او برگرداند، سپس فرمود: بنشین. آنگاه علی(سلام الله علیه) رو به مردم کرد و فرمود: اگر کسی از شما این گناه را مرتکب شود، مگر نمی‌تواند آن را بر خود بپوشاند همچنان که خدا بر او پوشانده است؟![۳۰]

به خدا توکل کنید

پرورش‌دهندهٔ دل‌ها، باید دلش را با خدا گره بزند و برای جاودان‌شدنِ نتایج زحماتش در قلب نوجوان، موفقیت‌های خود را به مؤلف قلوب که همیشه جاوید و زنده است، پیوند دهد و هر پیشرفتی را از ناحیه او بداند.

امام علی (سلام الله علیه) می فرماید: «مَن کانَ مُتَوَکِّلاً لَم یَعدِمِ الإعانَهَ.»

«کسی که اهل توکل باشد، کمک خداوند را از دست نمی دهد.»[۳۱]

۳۰- من لا یحضره الفقیه: ۵۰۱۷/۳۱/۴ .

۳۱- غررالحکم: ۸۱۲۸ .

• فصل ششم

ویژه مدیران فرهنگی

طراحی فرهنگی

یکـــی از مهم‌ترین مهارت‌های لازم برای مدیریـــت یک مجموعهٔ فرهنگی-تربیتی، قدرت طراحی و هدف‌یابی از طرح‌های ریخته شده، است.

طرح‌های کلی یک مجموعه، باید با توجه به توان و اســـتعداد، قدرت مالی، ســـطح فرهنگ و طبقهٔ اجتماعی حداکثری نوجوانانِ زیر مجموعه باشد و البته ظرفیت‌ها و پتانسیل اجرایی و مالی تشکّل نیز حتماً باید در نظر گرفته شود.

زمانـــی، یک طرحِ فرهنگی یا تربیتی قابل اجرا خواهد بود که ریزهدف‌ها و مسیرهای منتهی به هدف نیز مشخص شود.

برای این‌که هدف در ابتدای امر محال به نظر نرسد یا دست‌یافتنی‌تر باشد باید مشـــخص کرد که پس از گذشت یک دورهٔ کوتاه مثلاً یک ساله، انتظار چه

نتیجه‌ای می‌رود و پس از گذشــت زمانی بیشــتر، مثلاً پنج سال، چه نتیجه‌ای مورد نظر است.

به تفاوت‌ها توجه کنید

هر چند قوانین، با توجه به وضع کلی و عمومی افراد مجموعه مدوّن می‌شود، بــا این حال در بازخواســت اجرای این قوانین، توســط مدیر نیــز باید عواملی همچــون گروه ســنی، علاقه‌ها، کمبودها، ســلیقه‌ها، موقعیت‌های اجتماعی و خانوادگــیِ نوجوانان، مورد توجــه قرار گیرد و از برخورد یکنواخت با همهٔ افراد دارای شرایط گوناگون، پرهیز کرد.

به اعضا میدان دهید

مدیرِ موفق کســی است که در کنارِ نظارت بر روند اجرای طرح‌ها، کارها را به خودِ اعضای مجموعه محول کند که با این کار:

باعث بالا رفتن تجربهٔ افراد در زمینه‌های اجرایی شود،

روحیهٔ تعاون و کارِ گروهی را در نوجوانان بالا برد،

از فشارِ کاری خود کاسته، زحمت کمتری متحمل شود،

از میان نوجوانان عضو تشــکل، اســتعدادهای مدیریتــی را پیدا کرده برای آیندهٔ مجموعه تربیت کند،

احساس مسؤولیت اعضا را نسبت به مجموعه‌ای که خودشان در ساخت و شکل‌دهی به آن سهیم هستند، بیشتر کند.

البته مدیران فرهنگی توجه داشــته باشــند که در کادر اجرایی و تقســیم مسؤولیت‌ها، چند نکتهٔ مهم قابل توجه است:

الــف) کارهای فرهنگی از دو بخش طراحی و اجــرا برخوردارند که این دو بخــش، دو نیروی کاملاً متفاوت با اســتعدادهای مربوط بــه خود را می‌طلبد. یعنی یک نیروی فکری جهت طراحی و یک نیروی کاری جهت اجرا لازم است.

مدیر، باید قبل از تقسـیم مسؤولیت‌ها تشخیص دهد که فرد، جزو کدام دسته از نیروهاست و اگر نوجوانی هم از فکر خوب برخوردار بود و هم قدرت اجرایی بالایی داشـت، باید به نیاز مجموعه نگاه کرد و آن را در قسمتی که نیاز بیشتر است به کار گرفت.

ب) در مسـؤولیت‌دادن به افراد گروه، باید دقت داشـت که زمینهٔ انجام آن فراهم بوده، در حدّ قدرت و توانایی نوجوان باشـد و باعث از بین رفتن اعتماد به نفس و شکسـت پی در پیِ افراد نشـود. سـنجیدن اسـتعدادها، توانایی‌ها، تجربه‌ها، امکانات و ... از موارد مهمی اسـت که برای انتخاب افراد جهت انجام مسؤولیت‌های مختلف باید مورد توجه قرار گیرد.

امیر مومنان علی(سلام الله علیه) می‌فرمایند: «مَن کَلَّفَکَ ما لا تُطیقَ فقد أفتاکَ فی عِصیانِهِ.»

«هر کس تو را به چیزی که توانش را نداری مکلف سازد، حکم نافرمانی تو از خودش را صادر کرده است.»[۳۲]

ج) در مأموریت‌دادن‌ها، نوجوان نباید احسـاس کند شـما نسـبت به ارائهٔ مطلوب نگرانید. یعنی وقتی به او مسـؤولیتی می‌دهید، اعتماد کنید و سـئوال و جواب نکنید تا این‌که خودش گزارش کار بدهد و اگر اشـتباهاتی در راستای انجام مسـؤولیت مرتکب شده بود با تذکر مناسب به او بیاموزید: تلاش تو مهم بود نه نتیجه‌ای که گرفتی و حداقل خاصیت تلاش تو این اسـت که تجربه‌ای به یاد ماندنی به معلوماتت اضافه شـد تا در انجام کارها و مأموریت‌های بعدی از آن برای موفقیت بیشتر استفاده کنی.

الگوبرداری فرهنگی

مدیر باید در ارایه طرح‌های فرهنگی و تربیتی چند نکته را توجه کند:

۳۲- غررالحکم: ۹۱۳۷.

اول: آن‌که از عجله بپرهیزد و پس از بررســی کامل جوانب یک طرح آن را ارایه و به مرحلهٔ اجرا در آورد.

پیامبر خدا (صلی الله علیه واله وسلم) می‌فرمایند: «... و إنَّ مع الصبر النصر.»

«... و همراه صبر، پیروزی است.»[۳۳]

دوم: از مشورت با افراد و گروه‌های مختلف غافل نشود.

امام کاظم (سلام الله علیه) می‌فرمایند: «مَنِ استَشارَ لَم یَعدَم عِندَ الصَّوابِ مادِحاً، و عندَ الخَطَإ عاذِراً.»

«کسی که مشورت کند، اگر کارش را درست انجام دهد، مردم او را بستایند و اگر اشتباه کند، معذورش دارند.»[۳۴]

و سوم: این‌که حتماً لازم نیست برای طراحی فرهنگی همیشه از خلاقیت و ابتکار بهره برد، بلکه گاهی می‌توان با استفاده از روش الگوبرداری، طرح خوب، جامــع و تجربه شــده‌ای را که در جایی دیگر به مرحلهٔ اجرا رســیده، با توجه به تفاوت‌های موقعیتی، مکانی، زمانی یا حتی تفاوت آداب و رســوم و فرهنگ اجتماعی افراد مجموعهٔ خود، تغییراتی داد و همان را پیاده کرد.

مراحل تنبیه

در مواقع نیاز، وظیفهٔ تنبیه و برخورد با نوجوان خاطی بر عهدهٔ مدیر اســت و مراحل تنبیه از این قرار است:

الف) تذکر:

در تنهایی باشد.

بدون شوخی باشد.

۳۳- تفسیر نورالثقلین:۴ /۶۰۴/۱۱ .

۳۴- الدّرة الباهرة: ۳۴ .

صمیمی باشد.
با لحن دلسوزانه صورت گیرد.
علی (سلام الله علیه) می فرمایند: نُصحکَ بَینَ المَلَإ تَقریعٌ.»
«نصیحت کردن در حضور جمع، سرکوفت است.»[۳۵]

ب) اخطار:

در تنهایی باشد.
بدون شوخی باشد.
همراه با لحن صمیمی نباشد.
لحن، بوی تهدید بدهد.

ج) تعلیق:

بــه ایــن معنی که نوجــوان از کاری که انجــام می داده یا مســؤولیتی که برعهده‌اش گذاشته شده بر کنار شود. البته با دو شرط:
اخراج، موقّتی باشد.
به او امید قوی برای بازگشت و جبران داده شود.
علی (سلام الله علیه) می فرمایند: «إذا عاتَبتَ فاستَبِق.»
«هرگاه سرزنش کردی، جایی برای دوستی باقی بگذار.»[۳۶]

د) اخراج:

خــارج کردن نوجوان از وظایف محول شــده به او، با امید بســیار کم برای بازگشــت، به این صورت که شخص احســاس کند که شما به عنوان نیرو به او

۳۵- غررالحکم:۹۹۶۸ .
۳۶- غررالحکم: س۱۰۲۱۵

احتیاج دارید ولی مســؤولیتی به او واگذار نکنید و در عین حال دلبستگی او را نسبت به گروه یا تشکل از بین نبرید.

درست است که هیچ‌کس را نباید دفع کرد، ولی بسیار واضح است که یک ســیب آفت‌زده می‌تواند بقیهٔ سیب‌های سالم یک جعبه را نیز به فساد بکشاند و اگر به دادِ بقیه نرسیم، همهٔ آنها را از دست خواهیم داد. این‌جاست که مدیر می‌توانــد با زیرکــیِ خاصی، چنین نوجوانی را از بقیه جــدا کند ولی او را دفع نکنــد. یعنی با محول نمودن مســؤولیت‌های خاصــی، او را از جمع دور کند یا به طور خصوصی با او قرارهایی بگذارد یا حتی با روشــی زیرکانه، او را با جمع دیگری که مناسب اوست، آشنا و علاقمند کند.

توسل داشته باشید

امروزه، اجرای طرح‌های بزرگ، نیاز به پشتوانهٔ بیمه دارد. مدیر موفق کسی اســت که برای طراحی و اجرای برنامه‌های فرهنگی تربیتی خود با توسل قوی به ائمه معصومین(علیهم السلام) برنامه‌های تشــکل خود را بیمهٔ ایشان کند و هدف خود را از تحمل هر نوع زحمت و ســختی، کسب رضای ایشان و قدم برداشتن در مسیر انجام وظیفه بداند.

در ایــن صورت، نتیجه را به خود ایشــان ســپرده در انجام وظایف کوتاهی نمی‌کنــد و در صــورت عدم موفقیــت، در برخی طرح‌ها یا بــه وجود نیامدن زمینــهٔ مناســب بــرای شــروع برخی دیگــر، آن را به حســاب عــدم رضایت اهل بیت(علیهم السلام) گذاشته، دلسرد نمی‌شود.

• فصل هفتم

مراحل تربیت

۱) جذب:

اگر کودکی، بر روی لبهٔ بام قرار گرفته در معرض سقوط باشد، بدترین کار ممکن این است که با مشاهدهٔ چنین وضعی، بر سرِ کودک فریاد بکشی و او را بترسانی که دقیقاً خطر سقوطش را چند برابر کرده‌ای! بلکه باید آرامش خود را حفظ کرده، با وعده و وعید، یا نشان دادن شکلاتی خوشمزه یا اسباب بازیِ جالب، او را به سمت خود بکشی و از لبهٔ بام دور کنی. هنگامی که دستش در دستانت قرار گرفت، اگر بخواهی، زمان مناسبی است تا او را از اشتباهش با خبر کنی، تذکر دهی، تهدید یا حتی تنبیه کنی.

حضرت علی (سلام الله علیه) می فرمایند: «أصلِحِ المُسیءَ بِحُسنِ فِعالِکَ و دُلَّ علی الخَیرِ بِجَمیلِ مَقالِکَ.»

«آدم بدکار را به وسیلهٔ کار نیک خود اصلاح کن و با سخن زیبایت، دیگران را به کار خیر رهنمون باش.»[۳۷]

بنابراین، همیشه جایگاه تنبیه و سرزنش یا تهدید و تذکر و نصیحت پس از مرحلهٔ جذب است.

جذب در کار تربیتی، توسط مربی باید در دو مرحله صورت گیرد:

الف) در اولین دیدار:

یکی از مواردی که می‌تواند تأثیر زیادی در جذب افراد و صمیمیت برای ادامه ارتباط داشته باشد، اولین دیدار یا برخوردِ اول است.

گاهی، دیده شده که یک نوجوان، پس از گذشت چند سال از ارتباطش با مربی، هنوز به عنوان یکی از شیرین‌ترین و به یادماندنی‌ترین خاطراتش، اولین لحظهٔ آشنایی را بیان کرده، از آن با شوق زیادی تعریف می‌کند که این خود، بیانگر اهمیت ملاقات اول و تأثیر آن بر روی نوجوان است.

به دلیل عدم ارتباط قبلی و نداشتن اطلاعات کافی از شخصیت، عادت‌ها، نکات مورد علاقه یا حتی کیفیت فردی نوجوان در برخورد اول، برای جذب و ایجاد صمیمیت، رعایت امور اولیه‌ای همچون موارد زیر الزامی است:

۱- سلام کردن:

اگر چه در نگاه اول، این واژه بسیار ساده به نظر می‌رسد، اما اولین وسیله و راه نفوذ است.

همین کلمهٔ به ظاهر ساده، می‌تواند با تغییر لحن، آهنگ و حالت بیان، معانی و بارهای احساسی و عاطفی خاص خود را داشته باشد. ممکن است سلام فقط با صدای مبهم «سین کشیده» ادا شود که یقیناً تأثیری منفی خواهد داشت و

۳۷- غررالحکم: ۲/۵۸۳ .

نشـــان دهندهٔ بی‌میلی فرد از ملاقات با دیگری است و ممکن است، همین کلمه با لحن گرم، صدایی بلند و بیانی زیبا همراه باشــد که بیانگر اشــتیاق ما به این دیدار و شادمانیِ ما از این فرصت است. سلام از اسماء الهی است و در ارتباطات محاوره‌ای، نماد آرزوی ســلامتی برای مخاطب است. پس باید با صدای بلند و با گرمای خاصی ادا شود تا هم ذکری از محبوب باشد و هم نشانی از محبت.

پیامبر رحمت(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «إذا تَلاقَیتُم فَتَلاقَوا بِالتَّسلیمِ و التَّصافُحِ، و إذا تَفَرَّقتُم فَتَفَرَّقُوا بالإستِغفارِ.»

«هرگاه به هم برخوردید، با سلام کردن و فشردن دست یکدیگر و مصافحه دیدار کنید و چون جدا شدید با آمرزش خواهی از هم جدا شوید.»[۳۸]

۲- فشردن دست:

اولین نفری باشید که در شروع یک ملاقات، دست خود را به طرف دیگری دراز کرده، دســتش را می‌فشــارید و ســپس اجازه دهید تــا اول طرف مقابل دستش را از دستتان رها کند. باور کنید این ترتیب و فشردن دست، در ایجاد صمیمیت اولیه، معجزه می کند.

امام صادق (سلام الله علیه) می فرمایند: «إنَّ المؤمنینَ إذا إعتَنَقا غَمَرَتْهما الرَّحمه، فإذا التَزَما لا یُریدانِ بِذلِکَ إلّا وَجهَ اللهِ، و لا یُریدانِ غَرَضاً مِن أغراضِ الدُّنیا، قیلَ لَهُما: مَغفوراً لَکُما، فَاستَأنِفا.»

«هرگاه دو مؤمن در هنگام رو به رو شــدن با هم، دســت دهند و مصافحه کننــد، غرق رحمت خدا شــوند و اگر بــه خاطر خداوند، نه بــه منظور اهداف دنیوی، این کار را انجام دهند، به آنها گفته شــود: آمرزیده شدید، عمل کردن را از نو آغاز کنید.»[۳۹]

---

۳۸ - امالی طوسی:۳۷۴/۲۱۵.

۳۹- کافی: ۲/۱۸۴/۲ .

۳ - نگاه کردن:

نگاه نیز می‌تواند بیانگر احساسات انسان باشد؛ نگاه عادی، نگاه مشوّق، نگاه محبت‌آمیز، نگاه غضب آلود، نگاه نفرت، نگاه بی‌میلی و بی‌حوصلگی، نگاه خسته، نگاه تعجب و ...

هرکدام از این انواع نگاه، باید توسط یک مربی، در جای خود استفاده شود؛ ولی در اولین برخورد مناسب است که نگاه، بیانگر اشتیاق شما به این ملاقات باشد.

امام علی (سلام الله علیه) فرموده اند: العُیونُ طلائعُ القلوبِ.»

«چشم‌ها پیشقراولان دل‌هایند.»[۴۰]

ب) در ادامهٔ ارتباط:

پس از برقراری ارتباط نیز باید برای نفوذ و تأثیرگذاری بیشتر، ایجاد جذابیت کرد و از ابزار مختلف، جهت ابراز محبت برای صمیمیت بیشتر استفاده نمود، ابزاری همچون موارد زیر:

۱- کشف تاریخ وقایع مهم زندگی مخاطب مانند: «تاریخ تولد» یا «تاریخ‌آشنایی» به صورت غیر مستقیم و یادآوری، اعلام تبریک و یا هدیه دادن به او در این مناسبت‌ها. امام صادق (سلام الله علیه) فرموده اند: «تَهادَوا تَحابّوا.»

«به یکدیگر هدیه دهید تا دل‌های‌تان نسبت به هم با محبت شود.»[۴۱]

۲- اظهار همدردی، اعلام تسلیت و ابراز تأسف در هنگام بروز وقایع تلخ، مانند از دست‌دادنِ یک عزیز و فوت یکی از بستگان.

حضرت علی (سلام الله علیه) می‌فرمایند: «ما حُفِظَت الاُخُوَّه بِمِثلِ المُواساهِ.»

«پیوند برادری با چیزی چون همدردی، حفظ نشده است.»[۴۲]

۴۰- غررالحکم: ۴۰۵ .
۴۱ - بحار: ۱/۴۴/۷۵ .
۴۲- غررالحکم/۹۵۷۸

۳- بــه دســت‌آوردن برخی عادت‌های رفتاری و تکیــه کلام‌های نوجوان و استفاده از آن به طوری که احساس نکند، مسخره اش می‌کنیم.

به عنوان مثال، اگر او شــما را با لفظ «آقا» خطاب می‌کند، مسلم است که او این لفظ را برای احترام می‌پســندد؛ یا اگر هنگام خندیدن، دستش را مقابل دهانش می‌گیرد یا در مواقعی که خجالت می‌کشد، پشت گوشش را می‌خاراند، شــما نیز در بعضی مواقع به صورتی که احســاس کند از او تأثیری گرفته‌اید یا این که از این کار خوش‌تان آمده، این عمل را تکرار کنید. البته باید مراقب بود که این عادات و کلمات، مخالف شؤون و دارای تأثیر منفی نباشند.

۴- نوجوان نباید احساس کند که محبت شما به او امری ناپایدار و مقطعی اســت و هنــگام گرفتاری، ارتباط‌هــای اجتماعی یا برخورد با دوســتان و قرار گرفتن در جمع، توجهی به او ندارید یا رفتارتان عوض می‌شود.

شــما می‌توانید با شــگردها و ترفندهای زیرکانــه، در مواقع لزوم، در میان جمع هم به گونه‌ای که دیگران متوجه نشــوند، به ابراز محبت یا ارسال پیامی خاص به نوجوان بپردازید.

امام علی (سلام الله علیه) فرموده‌اند: «العَینُ بَریدُ القلبِ.»

«چشم، قاصد دل است.»[۴۳]

این عمل می‌تواند به وسیلهٔ رمزها یا حرکات قراردادی و از پیش تعیین‌شده و البته، کاملا خصوصی انجام شــود. مثلا حرکتی از دست یا اشاره‌ای با چشم، به معنای رضایت از عمل و خوشحالی از نوع رفتار و یا اظهار تأسف از اشتباه و یا ناراحتی از رفتاری زشت باشد.

۵- برای نوشتنِ یک نامه یا پیام کوتاه، به صورت خصوصی، می‌توانید نوعی انحصارِ بدون افراط را که بوی محبت از آن استشمام می شود، به جملهٔ خطابی

۴۳- غررالحکم: ۳۶۸

خود اضافه کرده، نام نوجوان را به گونه‌ای همچون: «محمدم، امیرمن، احسان عزیزم و ...» بنویسید.

امیـــر فصاحت، حضرت علی(سلام الله علیه) در نامـــه ۳۱ نهج البلاغه، ۱۳ مرتبه برای مورد خطاب قراردادن فرزند خویش، امام مجتبی (سلام الله علیه) از کلمهٔ (بُنَیَّ) به معنای(پسرم یا پسرکم) استفاده کرده‌اند.

۶- ســعی کنیــد در اولین ملاقات، نــام افراد را بدون پرســش از خود آنها کشف کنید و در ارتباط‌های بعدی، آنها را با نام صدا بزنید. توجه داشته باشید اســتفاده از الفاظی همچون: «دوســت عزیز، آقای محترم، آقای چیز، ببین ... و آقای ...» ضدّ صمیمیت است.

۲) ارایهٔ مطلب:

نوجوانان، ظرفیــت نصیحت‌پذیری محدودی دارند کــه برای جلوگیری از خســتگی روحی آنان و یکنواخت نشدن پندها یا از بین نرفتن وجههٔ مربی در مقابل آنان، لازم است، شیوه‌های مختلف تبلیغ و هدایت را به کار گیرد.

امام سجاد (ع): «کَثرهُ النُّصحِ یَدعو إلَی التُّهمَهِ.»

«نصیحت زیاد باعث بدبینی و تهمت می‌شود.»[۴۴]

جذب کردن اولیهٔ یک نوجوان، هر چند دارای ظرافت خاصی است و نیاز به مهارت دارد؛ اما مهم‌تر، دشــوارتر و ظریف‌تر از آن، مرحلهٔ پس از جذب، یعنی تثبیت، رشــد و ساخت شخصیت اســت. برای ارایهٔ مطالب که مهم‌ترین بخش تربیت است، رعایت چند نکته لازم است:

۱- نوجوان نیاز به کســی دارد که احساسات او را درک کند؛ نه این‌که او را مجبور به فراموش کردن احساسش نماید. مربی نباید در ارایهٔ مطالب، راه‌حل‌ها،

۴۴- الدّره الباهرة: ۲۶

پیشنهادات یا مشاوره دادن به نوجوان، احساسات او را نادیده بگیرد.

مثلاً اگر نوجوانی این مسأله را با شما در میان می گذارد که: «می‌خواهم وارد تیم فوتبال مدرسه شوم اما از تمرین کردن می‌ترسم، مطمئن نیستم که بتوانم به خوبیِ سایر بازیکنان بازی کنم...!»، شاید شما به او پاسخ دهید که: «ترس تو بی‌مورد است و اشتباه می‌کنی...» که این دقیقاً همان نادیده‌گرفتن احساسات اوست.

پس پاسخ بهتر به این دغدغه، می‌تواند به این صورت باشد: «چه جالب! من هم یکبار می‌خواستم در یک کنفرانس سخنرانی کنم، ولی قبل از انجام سخنرانی، بسیار نگران بودم و فکر می‌کردم ممکن است، اشتباهی مرتکب شوم تا جایی که حتی قصد انصراف داشتم و تصمیم گرفتم در خانه بمانم! من هم مثل تو خیلی می‌ترسیدم؛ اما بالاخره رفتم و به محض این‌که شروع به صحبت کردم، ترسم از بین رفت و سخنرانیِ خوبی ارایه کردم.»

۲- با طرح سؤالات مناسب و بحث‌های گوناگون نوجوان را به تفکر و تعقل و اظهار نظر تشویق کنید، و البته در صورت خطای در اندیشه و اظهار نظرات اشتباه، او را در رسیدن به پاسخ صحیح راهنمایی کنید.

پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: «العِلمُ خَزائنُ و مَفاتیحُهُ السُّؤالُ، فاسألُوا رَحِمَكُمُ اللهُ فإنَّهُ يُؤجَرُ أربَعةٌ: السائلُ و المُتَكَلِّمُ و المُستَمِعُ، و المُحِبُّ لَهُم.»

«دانش، گنج‌هایی است که کلیدهای آنها پرسش است؛ پس، رحمت خدا بر شما، بپرسید که بر اثر آن چهار نفر پاداش می‌یابند: پرسنده، گوینده، شنونده و دوستدار آنان.»[۴۵]

۳- برای مخالفت با تصمیم‌های نوجوان، از جملات سبک و مستقیم استفاده نکنید و اجازه دهید تا در ادامهٔ یک بحث طبیعی، خود به اشتباهش پی ببرد.

---

۴۵ تحف العقول:۴۱

مثلاً اگر تصمیم داشت، یک موتور سیکلت بخرد و این مطلب را با شما در میان گذاشت، ممکن است این گونه به او پاسخ دهید: «مگر دیوانه شده‌ای؟! پولی که داری حتی برای خرید یک جفت لاستیک هم کافی نیست!» یا ممکن است به گونه‌ای صحیح و موزون با اصول تربیتی پاسخ دهید که: «خوب! چه موتور سیکلتی؟ و با چه رنگ و مدلی؟» سپس وارد بحث در مورد قیمت آن شوید تا از این طریق خودش متوجه شود که پول کافی برای این کار را ندارد.

جوانی خدمت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: یا رسول‌الله آیا به من اجازه می‌دهی زنا کنم؟! با گفتن این سخن، فریاد مردم بلند شد و از گوشه و کنار به او اعتراض کردند؛ ولی پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) با خونسردی و ملایمت فرمود: نزدیک بیا. جوان در برابر پیامبر نشست. حضرت با محبت از او پرسید: آیا دوست داری با مادر تو چنین کنند؟ گفت: نه. فرمود: مردم هم دوست ندارند با مادرشان چنین شود.

آیا دوست داری با دختر تو چنین کنند؟ گفت: نه. فرمود: مردم هم در مورد دختران‌شان راضی نیستند. آیا برای خواهرت می‌پسندی؟ جوان مجدداً پاسخ منفی داد و از سؤال خون شرمنده شد. سپس پیامبر دست بر سینهٔ او گذاشت و در حقش دعا کرد و فرمود: خدایا قلب او را پاک گردان و گناه او را ببخش و دامان او را از آلودگی به بی عفتی نگاه دار.

از آن به بعد، منفورترین کار در نزد آن جوان، زنا بود.[۴۶]

۴- اگر در مقابل سؤالات یک نوجوان، پاسخی برای ارایه ندارید، بهترین کارِ تربیتی این است که شهامت داشته باشید و بگویید: «بلد نیستم، ولی حتماً تحقیق می‌کنم و جوابت را می‌دهم.» به شرط آنکه در این گفته، صداقت داشته

۴۶- یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث: ۲۷۴ .

و به نوجوان نشان دهید که محقق فعالی هستید.

پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) به ابوذر فرمودند: «یا أباذر،إذا سُئلتَ عَن عِلمٍ لا تَعلَمُهُ فَقُل: لا أعلَمُهُ تَنجُ مِن تَبِعَتِهِ، و لا تُفتِ بما لا عِلمَ لکَ به تَنجُ مِن عذابِ اللهِ یَومَ القیامَه.»

«اگر دربارهٔ چیزی از تو سؤال شد که نمی دانی، بگو نمی‌دانم تا از پیامدهای آن خلاص شوی، دربارهٔ آنچه نمی‌دانی فتوا مده تا از عذاب خدا در روز قیامت نجات یابی.»[۴۷]

۵- جهت ارایهٔ مطالب مهم و بیان نکات حساس، حتماً در انتخاب بستر زمانی و مکانی مناسب، مانند یک مکان معنوی یا ایجاد یک فضای احساسی خاص دقت کنید و اگر این موقعیت حاصل نشد، موقتاً از گفتن، خودداری کنید که حضرت علی (سلام الله علیه) می فرمایند: «لا تَتَکَلَّمَنَّ اذا لم تَجِد لِلکلامِ مَوقِعاً.»

«هرگاه برای سخنت موقعیتی نیافتی، سخن مگو.»[۴۸]

۶- استفاده از مثال‌های واقعی تاریخی، یا داستان‌های زندگی برخی افراد که البته از نظر عصر و زمان خیلی هم دور نباشند یا مناسبتی بین آنها و مخاطبین ما وجود داشته باشد، کمک بزرگی در فهماندن و ارایهٔ مطالب خواهد بود.

از امام علی (سلام الله علیه) نقل است که فرمودند: فَیالَها أمثالاً صائبَه، و مَواعِظَ شافِیهً، لو صادَفَت قلوباً زاکیهً و أسماعاً واعِیَهً، و آراءً عازِمَهً، و ألباباً حازِمَهً.»

«وه که چه می‌شود اگر مثل‌های درست و پندهای شفابخش، با دل‌های پاک و گوش‌های شنوا و اندیشه‌های استوار و خردهای محکم و دوراندیش، برخورد کنند.»[۴۹]

۴۷- مکارم الاخلاق :۲/۳۶۴/۲۶۶۱ .

۴۸- غررالحکم: ۱۰۲۷۴.

۴۹- نهج البلاغه:خطبهٔ ۸۳ .

۷- مربی خوب، هر کلمه را در جای مناسب خود استفاده می‌کند. کلمات، علاوه بر این‌که نباید تکراری و کلیشه‌ای، باشند باید بار عاطفی نهفته در هر کدام، مورد توجه قرار گیرد. به قول معروف: «بنشین و بفرما» هر دو یک معنا دارد اما یکی جنبهٔ امری و دیگری جنبهٔ احساسی و خواهشی خواهد داشت.

امام علی(سلام الله علیه) می فرمایند: «الألفاظُ قَوالِبُ المعانی.»

«الفاظ، قالب‌های معانی‌اند.»[۵۰]

ممکن است برای عمل خطای یک نوجوان بگویید: «فلانی از پشت به من خنجر زد!» و یا به جای آن از این جمله استفاده کنید که: «فلانی بی معرفتی کرد!» البته کلام دوم حاوی مقداری دلبستگی عاطفی نیز هست.

حضرت علی(سلام الله علیه) فرمودند: «مَن عَذُبَ لِسانُهُ کَثُرَ إخوانُهُ.»

«کسی که زبانش شیرین باشد، برادرانش زیاد شوند.»[۵۱]

۸- در بیان مطالب و هنگام صحبت کردن، باید فیزیک صورت و حرکات با محتوای کلام و نحوهٔ بیان مطابقت داشته باشد. به عنوانِ مثال اگر کلام، محبت‌آمیز بوده، ولی حالت چهره، خشن باشد، تأثیر کلام به مراتب کم خواهد شد.

۳) همراهی تا مقصد:

بسیار دیده شده که تشکل‌ها و مجموعه‌های تربیتی که با گروه سنی خاصی ارتباط دارند، پس از عبور افراد از آن گروه سنی، آنها را به حال خود رها کرده، یا حتی اخراج می‌کنند. این مسأله، یا به دلیل برنامه‌ریزی غلط و قوانین اشتباه مجموعه است یا به خاطر این که مربی، اطلاعات و توانایی‌های خود را افزایش نداده و اکنون قادر به پاسخگویی نیازهای افراد نیست. این درحالی است که پس از تمام شدن هر دوره و ورود افراد به گروه سنی بالاتر، برای

۵۰- غررالحکم:۲۲۰۶ .

۵۱- غررالحکم:۷۷۶۱ .

عادت کردن به آن فضا و بیرون آمدن از سرگردانی سنی و پیدا کردن مسیر درست، حتماً نیاز به یک مربی، راهنما یا مشاور خوب دارند.

امیر المومنین(سلام الله علیه) می‌فرمایند: «هَلَکَ مَن لیسَ لَهُ حَکِمٌ یُرشِدُه.»

«کسی که مشاوری حکیم برای راهنمایی و هدایت نداشته باشد، هلاک می‌شود.»[52]

اگر یک مربی توانسته در دورهٔ نوجوانی برای فرد مفید واقع شود و با خلق و خوی و عادات و شخصیت و موقعیت او آشناست، می‌تواند در جوانی و حتی میانسالی نیز برای او بهترین یار و مشاور باشد و در مراحلی همچون انتخاب رشتهٔ تحصیلی، برنامه‌ریزی برای کنکور، انتخاب شغل، ازدواج، حل مشکلات زناشویی، تربیت فرزند و ... نیز به او کمک کند.

امام علی(سلام الله علیه) می‌فرمایند: «لا ظهیرَ کالمشاوره.»[53]

«هیچ پشتیبانی، چون مشاوره نیست.»

مربی خوب، حتما باید در کنار تربیت دیگران به خودسازی علمی، معنوی و حتی مادی مشغول شود و با دوری از افراط در روابط، با بالا رفتن سطح سنی و فکری نوجوانان از خود نیز غافل نشود و برای آینده آماده باشد تا به بهانهٔ محدودیت علمی و نداشتن قدرت تربیتی، زحمات خود را بی‌نتیجه رها نکنند.

امام علی(سلام الله علیه) می‌فرمایند: «مَن أهمَلَ نَفسَهُ أهلَکَها.»

«هرکس نفسش را به حال خود گذارد و آن را تربیت نکند، خود را هلاک کرده است.»[54]

بنابراین، روابط مربیان و نوجوانان در طراحی مجموعهٔ فرهنگی می‌تواند به دو صورت برنامه‌ریزی شود:

۵۲- اخلاق در قرآن:۲/۱۴۶.

۵۳- غررالحکم: ۱۶۰/۵ .

۵۴- همان.

الف) کوتاه مدت:

رابطــه‌ای برقــرار می‌کنی، هدف و راه را هم نشــان می‌دهی و دیگر تمام؛ سپس برمی‌گردی و بدون آن که از سرنوشت گروه قبلی باخبر باشی یا دخالتی در آن داشته باشی، همان کار را برای گروه جدید انجام می‌دهی.

ب) بلند مدت:

رابطــه‌ای برقــرار می‌کنی، راه و هدف را هم نشــان می‌دهی، دســتش را می‌گیری و قدم به قدم با او می‌روی تا به مقصد برســانی و بعد برای گروه‌های بعدی، همین فرد تربیت شده توسط خودت را که با افکار و سلایق تو آشناست و راه و رســم تربیت را آموخته، جایگزین خود می‌کنی و فقط از دور به عنوان مشاور نگاهش می‌کنی.

• فصل هشتم

راهنمای اهداف تربیتی

آرزوی قدیمی

پـس از تدریـس در همایش‌های گوناگون تربیتی که بـا عناوین مختلف و حضور مربیان کم تجربه و با سـابقه از سراسـر کشـور برگزار می‌شد، در میان تقاضاها و نیازهای بسیار و پرسش‌های فراوان، فهمیدم که چقدر زیادند، افرادی که قابلیت‌های فراوان تربیتی، دلسوزی مربی‌گونه و تلاش فراوان برای یادگیری دارند؛ اما همگی به دنبال سرمشق برای شروع می‌گردند.

همـهٔ آنها می‌خواسـتند بدانند که فاصلهٔ کلاس فکـری متربیان خود را تا کلاس فکـری بالاتر، با چه اهدافـی بگذرانند؟ به عبارتـی، مفاهیم لازم برای هر مقطع سـنی که باید در غالب موضوعات مختلف، برای متربیان بیان شـود چیست؟

چون در انتخاب موضوع و نحوه بیان مطالب وچیدن آنها در کنار هم، به سلیقهٔ مربی احترام می‌گذارم، تصمیم گرفتم دراین بخش از کتاب بدون مطرح کردن موضوعات، به ذکر اجمالی اهداف تربیتی در یازده سرفصل مهم و در مقاطع سنی پیش دبستانی تا دوسال اول دانشگاه بپردازم.

هرچند، در این قسمت خواهیم گفت که مربی باید در پایان هر چند سال، به چه اهدافی در فکر، روحیات و اعمال متربی خود رسیده باشد، اما باز باید تذکر دهم که مربیان عزیز می‌توانند از مطالب این بخش الهام گرفته، موارد دیگری را با توجه به بافتِ فرهنگی منطقه و جنسیت متربیان، به آنها اضافه کنند.

مطالعهٔ این بخش از کتاب، حتماً به والدین عزیزی که تمایل دارند، بدانند باید در سنین مختلف، فرزندان خود را با چه مفاهیمی آشنا کنند نیز توصیه می‌شود.

۶ تا ۹ سالگی

۱-از نظر اعتقادی باید:

بداند آفریدگاری دارد که او را دوست دارد.

پیامبران را به عنوان فرستادگانی از سوی خدا قبول داشته باشد.

با انبیای اولوالعزم آشنا بوده و نام آنها را به یاد داشته باشد.

مشخصات ظاهری ائمه معصومین(علیهم السلام) مانند نام، لقب، کنیه، مادر و پدر را بلد باشد.

بین کارهای خوب و بد تفاوت قایل بوده و با مفهوم خوبی و بدی آشنا شده باشد.

بداند امام زمان(عج الله تعالی فرجه الشریف) امام آخر او بوده و ایشان از نظرها غایبند.

با برخـــی مظاهر«نظم» در جهـــان طبیعت به عنوان نعمت‌های خدا آشـــنا باشد.

بدانـــد مـــلاک موفقیـــت و عـــدم موفقیـــت انســـان‌ها، اطاعـــت از خـــدا، پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) وائمه معصومین(علیهم السلام) است.

۲-از نظر شرعی باید:

اوقات و مشـــخصات نمازهای یومیه را بشناسد و قادر به خواندن نماز کامل باشد.

با مفهوم نجسی و پاکی آشنا شده باشد و ضمن شناختن نجاساتِ مبتلا به، تا حدودی با روش تطهیر آنها آشنا باشد.

مفهـــوم محـــرم و نامحرم را بداند و محارم را از غیرمحرم تشـــخیص داده از حضور در محافل جنس مخالف خود پرهیز کند.

با مفهوم اسراف آشنا شده باشد.

بداند در موسیقی‌ها و ترانه‌ها موارد حرام زیاد است.

۳-از نظر اخلاقی باید:

زشتی دروغ و محسنات راستگویی را بداند و صادق باشد.

مفهـــوم امانت‌داری را بدانـــد و آنچه از دیگران می‌گیرد بـــه راحتی به آنها برگرداند.

بداند برای استفاده از اموال دیگران باید اجازه بگیرد.

اهل مسخره‌کردن دیگران، خصوصاً افرادی که نقصِ جسمی دارند، نباشد.

در لباس پوشـــیدن، آرایش ظاهر و خرید لوازم شـــخصی، ســـاده زیستی را ترجیح بدهد.

۴-از نظر مذهبی باید:

خاصیت دعا کردن را بداند و در مشکلات و آرزوهای مهم از آن استفاده کند.

به زیارت قبور معصومین(علیهم السلام) یا اماکن زیارتی شهر و محله‌اش علاقه‌مند باشد.

به جلسات مذهبی و مراسم‌های عزاداری علاقه‌مند بوده از شرکت در آنها لذت ببرد.

با مفهوم اولیه صدقه آشنا باشد و این کار را دوست بدارد.

چند دعای ساده، مانند دعای فرج را از حفظ باشد.

۵-از نظر مهارتی باید:

به دروس پایه‌ای خود علاقه‌مند بوده، کلاس و مدرسه را دوست بدارد.

به یادگیری و کشف و تجربه، علاقه داشته باشد.

مهارت‌های بنیادی او در حیطه حسی- حرکتی تقویت شده باشد.

مطالب آموزش داده شده در مدرسه، توسط معلم را به خوبی فرا گرفته باشد.

قادر به بیان و یا نوشتن خواسته‌های خود باشد.

خلاقیت‌های ذهنی و عملی او پرورش یافته باشد.

با ابزارهای مهمی که پیرامونش قرار دارد آشنا بوده، کاربرد آنها را بداند.

۶-از نظر روحی باید:

توانایی‌ها و محدودیت‌های خود را بشناسد.

روحیهٔ اعتماد به نفس در او ایجاد یا تقویت شده باشد.

به نگهداری صحیح از اموالش دقت داشته باشد.

پس از استفاده از هرچیزی، آن را سرجای خود قرار داده و منظم باشد.
پرخاشگر و ستیزه‌جو نباشد.
نسبت به مسایل پیرامون خود حساس باشد و در ذهنش سؤال ایجاد شود.
ترسو نبوده، از اموری مانند تاریکی یا تنهایی به صورت افراطی وحشت نداشته باشد.

۷-از نظر روابط باید:

به مقررات محیط‌های گوناگون مانند مدرسه، خانواده یا تشکل به عنوان یک عضو، احترام بگذارد.
به اموال عمومی و وسایل دیگران آسیب نرساند.
به بزرگ‌ترها و خصوصاً والدین خود احترام بگذارد.
سپاس‌گذاری را آموزش دیده باشد و در مقابل لطف دیگران تشکر کند.
از روحیهٔ همکاری برخوردار باشد.
قدرت استفاده از کلمات محبت‌آمیز و دوستانه را داشته باشد.
از سبک حرف‌زدن و تعابیر زشت در سخن‌گفتن، پرهیز کند.

۸-از نظر آروزها باید:

به پیشرفت بیاندیشد و تصویری هرچند کودکانه از آیندهٔ خود داشته باشد.
از فقر و محرومیت سایرین ناراحت بوده، برای همه، آرزوی سلامت و رفاه داشته باشد.
زیارت، ظهور و یاری امام زمان(عج الله تعالی فرجه الشریف) را آرزویِ بزرگ انسان‌ها بداند.
نسبت به آینده، امیدوار باشد.

۹-از نظر خانوادگی باید:

والدین خود را دوست بدارد و اطاعت از آنها را برخود واجب بداند.

والدین خود را محرم بداند و مشکلات و مسایل خود را فقط با آنها در میان بگذارد.

بدون والدین، هرگز منزل کسی نماند و به جدایی از والدین مگر در ضرورت رضایت ندهد.

۱۰-از نظر بهداشتی باید:

با مسایل اولیه بهداشت فردی، آشنا باشد و آنها را رعایت کند.

از اموری که به سلامتی خود و دیگران آسیب می‌رساند پرهیز کند.

به آراستگی ظاهر علاقه‌مند باشد.

با آداب خوردن و خوابیدن تا حدودی آشنا باشد.

۱۱-از نظر اطلاعات سیاسی باید:

به میهن خود علاقه داشته باشد.

پیشرفت کشور را پیشرفت خود و خانواده‌اش محسوب کند.

نام دشمنان معروف و اصلی کشورش را بداند و از آنها تنفر داشته باشد.

نسبت به رهبرش علاقه‌مند باشد.

نام برخی از مسؤولان ردهٔ بالا و معروف کشور را بداند.

۹ تا ۱۱سالگی

۱-از نظر اعتقادی باید:

بتواند اصول دین را نام برده تا حدی با مفهوم آن آشنا باشد.

با صفات الهی آشنا شده به خدا امیدوار باشد.

برخی احادیث کوتاه را حفظ باشد و با سیره اهل بیت(علیهم السلام) آشنایی داشته باشد.

با بهشت و جهنم آشنا باشد و بداند نتیجهٔ امور دنیوی در آخرت خواهد بود.

از مصایب ائمهٔ معصومین(علیهم السلام) مطلع باشد.

مفهوم انتظار فرج امام زمان(عج الله تعالی فرجه شریف) را تا حدودی درک کند.

داستان‌های معروف قرآنی راجع به زندگی پیامبران الهی را شنیده و بتواند تعریف کند.

۲-از نظر شرعی باید:

در نماز خواندن از قرائت صحیح برخوردار باشد.

صحیح وضو گرفتن و غسل کردن را آموزش دیده باشد.

برخی روزهای ماه مبارک رمضان را روزه بگیرد.

با مفهوم احکام پنج گانه (واجب-حرام-مستحب-مکروه) آشنا باشد.

معنای امر به معروف و نهی از منکر را بداند و ضرورت آن را درک کند.

با علایم بلوغ آشنا باشد.

احکام کلّی شک در نماز را بداند.

احکام نمازجماعت را آموخته باشد.

۳-از نظر اخلاقی باید:

حسود نباشد و از موفقیت اطرافیان خوشنود شود.

از آفات زبان بیزار باشد و نسبت به آن مراقبت کند.

با مفهوم گذشت و ایثار آشنا باشد.

مصادیق متعددی از اسراف را تشخیص دهد و سعی در پرهیز از آن داشته باشد.

معنای اخلاص را بداند و سعی کند آن را تجربه نماید.

۴-از نظر مذهبی باید:

در پوشش خود حیا و حجاب را رعایت کند.

در فعالیت‌های مذهبی شرکت کند. مثلا سیاه‌پوش کردن فضا برای مراسم عزاداری.

به خواندن ادعیّه رغبت داشته باشد.

۵-ازنظر مهارتی باید:

قادر به بیان اهداف خود باشد.

استعداد وعلاقه خویش را در یکی از رشته‌های هنری یا ورزشی کشف کرده باشد.

استقلال خود را در انجام وظایف درسی به دست آورده به والدین وابسته نباشد.

تا حدودی با برخی مسایل اولیه فنی و تجربی آشنا شده باشد.

نحوۀ استفاده اولیه از رایانه و اینترنت را آموخته باشد.

۶-از نظر روحی باید:

قدرت پذیرفتن اشتباهات خویش را داشته باشد.

بتواند نوع رفتار خویش را با رسمی بودن یا غیررسمی بودن محافل تطبیق دهد.

شهامت عذرخواهی کردن داشته باشد.

محبت‌های دیگران را وظیفه آنها برداشت نکرده، قدرشناس باشد.

توانایی تمرکز بر امور خود را داشته باشد.

به زشتی کبر و غرور آگاه باشد و از این صفات پرهیز کند.

۷-از نظر روابط باید:
بتواند نسبت به غم و شادی اطرافیان، خود را شریک آنها احساس کند.
از ارتباط با بزرگ‌ترهای غریبه پرهیز کند.
مفهـــوم صحیح آزادی را در حد خود بفهمد و آن را به معنای بی‌بندو باری تلقی نکند.
راحت‌طلب نبوده، آسایش را به قیمت ناراحتی و سختی دیگران نخواهد.
به بازی‌ها و کارهای گروهی علاقه نشان دهد.
از دخالت بی‌جا در اموری که به او مربوط نیست، پرهیز کند.

۸-از نظر آرزوها باید:
بینش درســـتی از دنیا و مادیات پیدا کرده باشد و آن را تنها ملاک سعادت نداند.
جلب رضایت امام زمان(عج الله تعالی فرجه الشریف) برایش مهم باشد.
سیره ائمهٔ معصومین(علیهم السلام) و علما و صالحین را به عنوان الگوی مناسب قبول داشته باشد.
از جنگ و خونریزی موجود در دنیا متنفر باشد.

۹-از نظر خانوادگی باید:
به عنوان یکی از اعضای خانواده، مسؤولیت و نقش مناسب خود را پذیرفته باشد.
سعی کند وظایف خود را نسبت به خانواده به خوبی انجام دهد.
شـــهامت اظهار نظرات خـــود را دربارهٔ امور خانوادگـــی، البته با رعایت ادب داشته باشد.
در صـــورت عدم موافقت والدین یا اکثریت خانواده با نظراتش، تســـلیم نظر

آنها باشد.

از بیان مسایل خصوصی خانواده به دیگران پرهیز کند.

۱۰-از نظر بهداشتی باید:

به مسواک‌زدن و حمام‌رفتن مقیّد باشد.

اصول نشستن صحیح و شرایط فیزیکی مناسب هنگام مطالعه را آموخته باشد.

قدرت استفاده مناسب از اندام‌های خود را داشته و راه مراقبت از آنها را بداند.

به نرمش علاقه‌مند باشد و برنامه‌ای منظم در این‌باره داشته باشد.

تفاوت بین پیشگیری و درمان را بداند و پیشگیری را بر درمان مقدم بداند.

۱۱-از نظر اطلاعات سیاسی باید:

تا حدودی با تاریخ سیاسی کشورش آشنا شده باشد.

سردمداران و حاکمان پیشین کشورش را بشناسد.

با مفهوم شهادت و ارزش آن، انس گرفته و شهدا را سرمایه‌های انقلاب بداند.

در مورد نقش جوانان در پیروزی انقلاب اسلامی، مطالعاتی داشته باشد.

به انقلاب و حاکمیت دینی، علاقه‌مند باشد.

۱۱ تا ۱۴سالگی

۱-از نظر اعتقادی باید:

خداوند را همه جا ناظر و حاضر بداند.

ملاک انجام یا عدم انجام اعمال و رفتار و کردارش را خشنودی یا عدم رضایت امام زمانش بداند.

با سرفصل‌های سیر مطالعاتی عقاید شیعه آشنا باشد.
با مفهوم تولّی و تبری آشنایی داشته و به آنها معتقد باشد.
پاسـخ برخی از مهم‌ترین شبهات اعتقادی در بحث خداشناسی و توحید را بداند.
تفاوت‌های اصلی مکتب خویش را با سایر مکاتب دانسته، قادر به بیان آنها باشد.

۲-از نظر شرعی باید:

ضـرورت انتخاب مرجع تقلید را بدانـد و ملاک‌های این انتخاب را آموخته باشد.
با علایم بلوغ آشنا باشد و بتواند آنها را در خود تشخیص دهد.
از تفاوت‌های و ظایفش در قبال اصول و فروع دین آگاه باشد.
به سـرفصل‌های مهم رسالهٔ توضیح المسایل و مسایل مبتلی‌به آن آشنایی داشته باشد.

۳-از نظر اخلاقی باید:

رازنگهدار باشد و اسرار دیگران را فاش نسازد.
به دنبال پیدا کردن نقاط ضعف اخلاقی خود و برطرف نمودن آنها باشد.
اعتراف به گناه در غیر پیشگاه الهی را مانند ارتکاب به گناه، عملی زشت بداند.
علاقه‌مند به پیدا کردن راه‌های کمال و موفقیت باشد.

۴-از نظر مذهبی باید:

عضو یک جلسه یا مجموعهٔ مذهبی سالم و مورد تأیید بزرگ‌ترها باشد.
سفر به اماکن مقدس و مشاهد ائمهٔ معصومین(علیهم السلام) را بر سفرهای دیگر

ترجیح دهد.

موازین دینی را راجع به پوشش و ظاهر خود به عنوان یک شیعه دانسته و رعایت نماید.

با مناسبت‌های مذهبی سال آشنا بوده اعمال مربوط به هرکدام را که برگرفته از روایات و یا سیرهٔ سلف صالح است، بداند.

۵-از نظر مهارتی باید:

به یادگیری یک زبان دیگر، غیر از زبان مادری خویش، همت گمارده باشد.

با زبان عربی، حداقل به مقدار قرائت صحیح قرآن، نماز و ادعیه آشنایی داشته باشد.

با فنون مهارت‌های مطالعه و یادگیری آشنا باشد.

توانایی‌ها و استعدادهای خود را برای انتخاب رشتهٔ تحصیلی و کاری مناسب، کشف کرده باشد.

قدرت استدلال و انتقاد منطقی را به دست آورده باشد.

۶-از نظر روحی باید:

انتقادپذیر باشد.

مسؤولیت‌پذیر باشد.

اراده‌ای قوی داشته باشد.

اهل مشورت بوده و قدرت تشخیص مشاورهٔ دلسوزانه را داشته باشد.

صبور و بردبار باشد و بتواند راه حل مناسب و عاقلانه را در هنگام بروز مشکلات پیدا کند.

در مورد دیگران زود قضاوت نکند.

۷-از نظر روابط باید:

آثار همنشینی‌های خوب و بد را بشناسد.

قدرت مدیریت و هدایت گروه را در کارهای جمعی داشته باشد.

بهترین نوع دوستی را رفاقت معنوی بداند.

بـــه یک جمع معنوی یا یک مربی مطمئن دلبســتگی عاطفی متعادل پیدا کرده باشد.

به تفریحات جمعی ســالم و شرکت در اردوهای تفریحی-معنوی علاقه‌مند باشد.

در روابط خود با آنها که دوستشان دارد اهل گذشت و ایثار باشد.

۸-از نظر آرزوها باید:

شهادت را به عنوان یک آرزوی بزرگ در سر بپروراند.

آروزی ظهور امام زمان(عج الله تعالی فرجه الشریف) و حضور در رکاب ایشان را داشته باشد.

از تصور دستیابی به اهداف بزرگ وحشت‌زده نشود و بلندهمت باشد.

موفقیت دوستان و اطرافیان را در دعاهای خود مورد توجه قرار دهد.

به گسترش، عزت، سربلندی و موفقیت گروه یا مجموعه‌ای که در آن عضو است بیندیشد.

۹-از نظر خانوادگی باید:

بتواند موقعیت مالی و شرایط اقتصادی خانواده را درک کند.

نسبت به کوچک‌ترها در خانه و خانواده منصف، دل‌رحم و دلسوز باشد.

ابـراز علاقــه و محبت به اعضای خانواده و حتــی والدین خویش را به قصد رضای خدا انجام دهد.

ا زکنترل‌هـــای والدین در مورد کارها، رفت و آمدها و رفتارهایش خشـــنود بوده، آن را نشانهٔ دلسوزی و اهمیت بداند.

۱۰-از نظر بهداشتی باید:

آگاهی‌هـــای لازم را پیرامـــون رعایت بهداشـــت فردیِ پس از بلوغ، داشـــته باشد.

بـــا کمک‌های اولیه آشـــنا باشـــد و بتواند در مواقع لزوم به ســـایرین کمک کند.

به کنترل و چکاب اوضاع جســـمی خود به دلیل قرارداشـــتن در ســـن رشد بیش از هر زمانی اهمیت بدهد.

۱۱-از نظر اطلاعات سیاسی باید:

مهم‌ترین اســـتدلال‌های نقلی و عقلی برضرورت ولایت فقیه را در حاکمیت دینی بداند.

پیگیر اخبار سیاسی دنیا بوده از اوضاع کلی سیاسی جهان باخبر باشد.

سیاست منهای دیانت را قبول نداشته، آن را عین دیانت بداند.

بتواند تفاوت میان اظهار نظرهای سیاسی عامیانه و عالمانه را تشخیص دهد.

۱۴ تا ۱۷سالگی

۱-از نظر اعتقادی باید:

با مهم‌ترین شـــبهات اعتقادی در بحث نبوت و معاد آشـــنا بوده، پاسخ‌هایی برای آنها داشته باشد.

با مهم‌ترین منابع و کتاب‌های اعتقادی شیعه آشنا باشد.

به وحدت میان شیعه و سنی پایبند بوده و دشمن مشترک را مهم‌تر بداند.
در یادگیریِ مباحث اعتقادی، جدی‌تر باشد.

۲-از نظر شرعی باید:
مرجع تقلید خود را انتخاب کرده باشد.
به اندازهٔ توان خود، در انجام مستحبات و ترک مکروهات دقت کند.
با دفتر مرجع تقلید خود مرتبط بوده و سؤال‌های شرعی خود را بپرسد.
کار با رسالهٔ عملیه را آموخته، معنای اصطلاحات معروف فقهی را بداند.
شـرکت در نمازجماعت را به عنوان یکی از کارهای مهم روزانهٔ خود تلقی کند.
گاهی اهل خواندن نماز شب باشد.

۳-ازنظر اخلاقی باید:
زمینه‌های گناه را بشناسد و خود را از آنها دور کند.
نسبت به اعمال و رفتارش محاسبهٔ نفس داشته باشد.
فرهنگ برخورد با شبهه و امور شبهه‌ناک را داشته باشد.
اهل توبه باشد و قوانین توبه را بداند.
به مطالعهٔ زندگی علما و عرفای حقیقی و الگوگیری رفتاری از آنها علاقه‌مند باشد.
خوش‌قول و وقت‌شناس باشد.
کارهایش را با اخلاص کامل انجام دهد.

۴-از نظر مذهبی باید:
به دنبال پیدا کردن راه‌های استفادهٔ بهتر از زمان‌های خاص مانند شب‌قدر،

نیمه شعبان، عرفه و ... بوده و به برخی اذکار در شبانه‌روز مقید باشد.
با روضه، مناجات و عزاداری اُنس گرفته باشد.
به دنبال جذب و علاقه‌مندی دوستان و اطرافیان به جلسات مذهبی باشد.

۵-از نظر مهارتی باید:

تلاشش در زمینه کسب موفقیت‌های تحصیلی بیش از پیش شده باشد.
هدفش از درس خواندن، معرفی اهل بیت(علیهم السلام) به دیگران از بلندترین قله‌های موفقیت باشد.
در استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی، مهارت داشته باشد.
با اصول و روش‌های تحقیق و مقاله نویسی آشنا باشد.

۶-از نظر روحی باید:

معنا و مفهوم خیر کثیر را بداند و سعی در اتصاف به آن داشته باشد.
عزت نفس داشته باشد.
دوراندیش و عاقبت‌اندیش باشد.
تفاوت‌های اعتماد به نفس و تکبر را به درستی بداند.
از فراغت و بیکاری بیزار بوده و برای تمام اوقات خود برنامه داشته باشد.
به تشویق‌ها، تعریف‌ها و تمجیدهای دیگران دل خوش نکند.

۷-از نظر روابط باید:

با تکنیک‌های صمیمیت و ارتباط موثر آشنا باشد.
مواضع تهمت را بشناسد و از آن دوری کند.
قواعد امر به معروف و نهی از منکر را بداند و آن را در روابط اجتماعی اعمال کند.

از روابط بی‌خاصیت و بدون بهرۀ اخلاقی و معنوی پرهیز کند.
مقید به صله رحم باشد.

۸-ازنظر آرزوها باید:
به قبولی در دانشگاه با رتبۀ بالا و جای مناسب بیاندیشد
به زیارت و ملاقات با امام زمان(عج الله تعالی فرجه الشریف) علاقه‌مند باشد.
اندکی هم در مورد استقلال مالی، چاره اندیشی کند.

۹-از نظر خانوادگی باید:
در همه امور خویش شأن خانوادگی را در نظر بگیرد.
خود را از نظر رفتاری، نماینده والدین در هنگام عدم حضورشان در محافل خانوادگی بداند.
به آرامش محیط خانه و خانواده کمک کند.
به مسؤولیت‌های خود در خانه بیافزاید و قسمت قابل توجهی از بار را بردوش بگیرد.

۱۰-از نظر بهداشتی باید:
نسبت به محیط زیست حساس باشد.
از افراط در خواب و خوراک بپرهیزد.
تاحد امکان به بهداشت خانه کمک کند.

۱۱-از نظر اطلاعات سیاسی باید:
التزام به ولایت فقیه داشته و سخنان ولی فقیه را فصل الخطاب اختلافات سیاسی بداند.

با منابع و کتاب‌های معتبر و نظریه‌های صحیح سیاسی آشنا شده باشد.
نسبت به جناح‌های ارزشی و غیرارزشی آشنایی داشته باشد.
تاحدودی قدرت شرکت در بحث‌های جدّی عقلی و مستدلّ سیاسی را داشته باشد.
نسبت به اوضاع سیاسی کشورش بی‌تفاوت نباشد.

۱۷ تا ۲۰سالگی

۱-از نظر اعتقادی باید:

با مهم‌ترین و شاخص‌ترین شبهات اعتقادی در بحث‌های امامت، اثبات ولایت و مهدویت آشنا بوده و پاسخ‌های مناسب آن را بداند.
با مبانی تفکرات مکاتب فکری منحرف موجود در اجتماع آشنا بوده، نوع تبلیغات آنها را بداند و از آنها فاصله بگیرد.
با تفسیر برخی آیات مهم در استدلال بحث امامت آشنا بوده آنها را حفظ باشد.
با چند استاد، جهت مشاوره پیرامون سؤالات و شبهات اعتقادی آشنا باشد.

۲-از نظر شرعی باید:

احکام مربوط به ازدواج و روابط زناشویی را بداند و یا با زمینه‌های آموزش آن آشنا باشد.
به حساب سال بسیار مقید بوده آن را مایهٔ برکت زندگی بداند.
به احکام معاملات اشراف پیدا کند.
راه‌های پیشگیری از وسواس یا مقابله با آن را بداند.

به رعایت حق الناس، بیت‌المال و حق الله بسیار دقیق باشد.
به نماز اول وقت، بیش از هر چیزی اهمیت بدهد.

۳-از نظر اخلاقی باید:

نه تنها امورش را خالصانه، بلکه عاشقانه برای خدا انجام دهد.
ذهنش در دریافت درس‌ها، نکته‌ها و پیام‌های الهی فعال باشد.
دربارهٔ دیگران خود را مسؤول بداند.
اهل انفاق و صدقات باشد.
از طمع و حرص‌زدن در کسب روزی، خودداری کند.

۴-از نظر مذهبی باید:

احیای امر اهل بیت(علیهم السلام) را به عنوان یک وظیفه برای خود بداند.
به مصایب و تاریخ و داستان‌های زندگی ائمه معصومین(علیهم السلام) با تفکر و بصیرت اشک بریزد.
به دنبال پیدا کردن دستورالعمل‌های معتبر از بزرگان راجع به توسلات باشد.
گاهی توسل به اهل بیت(علیهم السلام) را در خلوت خود نیز تجربه کند.

۵-از نظر مهارتی باید:

با توجه به توانایی‌های خود و نیازهای جامعه و بسترهای موجود، بتواند شغل انتخاب کند.
با مراکز علمی معتبری که در راستای موفقیت تخصصی و شغلی، مفید هستند، ارتباط داشته باشد.

با سیر امور اداری کشور و مهارت‌های شهروند الکترونیک آشنایی داشته باشد.

با قوانین راهنمایی و رانندگی آشنا بوده و قادر به رانندگی باشد.

در یک رشتهٔ هنری، ورزشی و مذهبی علاوه بر تخصص تحصیلی خود مهارت داشته باشد.

ملاک‌های صحیح انتخاب همسر و مهارت‌های خواستگاری را آموخته باشد و نسبت به زندگی زناشویی بینش صحیحی داشته باشد.

۶-از نظر روحی باید:

وظیفه‌شناس باشد و بتواند در موقعیت‌های مختلف، وظیفهٔ خود را تشخیص دهد.

اهل قناعت باشد و از حداقل امکانات، حداکثر استفاده را بکند.

از فرصت‌های مختلف، برای تربیت دیگران و پیام‌دادن به اطرافیان استفاده کند.

از افراط و تفریط در امور پرهیز کند.

در انتخاب‌ها و لحظات حساس، اولویت‌ها را در نظر بگیرد.

۷-از نظر روابط باید:

قواعد و روش‌های برخورد با جنس مخالف را آموخته و از ساده‌دلی، حماقت و بی‌پروایی در این زمینه پرهیز کند.

علاقه‌مند به شرکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه باشد.

مسؤولیت و موقعیت اجتماعی دیگران را درک و نسبت به آنها رفتار متناسب نشان بدهد.

اصلاح ذات‌البین را در محیط‌های خانوادگی و دوستانه وظیفهٔ خود بداند.

نســبت به اساتید و مربیان خود، به دید مشاور نگاه کرده از مشورت با آنها غافل نشود.

۸-از نظر آرزوها باید:

نسبت به ناهنجاری‌ها، بی‌عدالتی‌ها و نابسامانی‌های جامعه بی‌تفاوت نبوده از آن رنج ببرد.

پیــدا کردن همســری مناســب و یــاری خوب، در مســیر بندگــی خدا از دغدغه‌هایش باشد.

بــه موفقیت در انجــام وظایف خود در قبال امــام زمان(عج الله تعالی فرجه الشـریف) بیندیشد و در حصول نتیجه به ایشان مطمئن باشد.

۹-از نظر خانوادگی باید:

به تشکیل خانواده و ازدواج به عنوان یک سنت نبوی و امری دینی بیندیشد.

بداند کسب رضایت والدین و اطاعت از ایشان در عین اختلاف سلیقه با آنها، موجب خیر دنیا و آخرت است.

عشق و عقل را توام با یکدیگر در تشکیل خانواده و ادارهٔ آن موثر بداند.

نسبتاً از استقلال اقتصادی و مالی برخوردار باشد.

آئین همســرداری را آموزش دیده و در این زمینه از مطالعهٔ کتب معتبر و مشاوره با افراد مورد اطمینان بهره ببرد.

۱۰-از نظر بهداشتی باید:

با برخی داروها و نحوهٔ مصرف آنها آشنا باشد.

طریقهٔ اســتفاده از دستگاه‌های فشــارخون، قندخون و ... را در حد معمول آموخته باشد.

از نحوهٔ شیوع و پیشگیریِ بیماری‌های رایج باخبر باشد.
نســبت به محیط زیســت و منابع طبیعی کشورش تعلق خاطر داشته و در حفظ آنها بکوشد.

۱۱-از نظر سیاسی باید:

قدرت تحلیل مســایل سیاســی کشور را بر اساس شــواهد و مدارک معتبر داشته باشد.
نسبت به مظاهر تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن آشنا باشد.
جنگ نرم را بشناسد و به رهنمودهای رهبری در این مورد دقت کند.
در همه مسایل، مطیع رهبر باشد.
همیشه آماده جانفشانی در مسیر دین و مملکتش باشد.

• فصل نهم

راهنمای منابع مطالعاتی

مربی آزاد اندیش

در حوزهٔ روانشناسی تربیتی، چه در غرب و چه در کشورمان، افراد زیادی به اظهار سلیقه و ابراز نظر پرداخته کتاب‌های متعددی به چاپ رسانده‌اند.

از این میان، برخی کاملاً بی‌مصرف و غیرقابل تطبیق با موازین اسلامی است و بعضی، هرچند قالب‌های زیبا دارد اما مفاهیم آن کاربردی نبوده بیشتر به شعار شبیه است تا مسایل واقعی تربیتی؛ و البته باید اعتراف کرد که تعدادی از این کتب و نظریه‌ها نیز خواسته یا ناخواسته با قالبی بسیار زیبا و با زبانی شیوا و قابل درک، به بیان نقطه نظرات تربیت اسلام و تشیع پرداخته‌اند.

مربی موفق، کسی است که از مطالعه تمامی کتاب‌های گوناگون با موضوعات مورد نیاز بشری دریغ نورزد و به دور از تعصبات و جمود فکری

ناشـــی از حسادت‌ها و کج سلیقگی‌های غیرعالمانه، با شیوه‌ای مناسب بهترین موضوعات، قالب‌ها و کاربردها را پیدا کند.

پـــس از مدتـــی تحقیـــق، مطالعه و تجربـــه در زمینه‌هـــای تربیتی و اطلاع پیداکـــردن از حد و مرزها و قوانین صریح دیـــن، در این زمینه، مربی می‌تواند هرکتابی را به دید نقادانه مطالعه نموده ذهن خود را با نقد و بررســـی نظریات تربیتی فعال کند.

داســـتان‌ها، حکایات، مثل‌ها، اشعار، استدلال‌ها و قواعد، فتواها و استفائات، شـــیوه‌های بیان مناســـب هر گروه ســـنی، اطلاعات علمی و موارد بسیار دیگر همه و همه چیزهایی اســـت که مربی برای رســـاندن مفاهیم و اهداف تربیتی بیان‌شـــده در فصل گذشـــته، به آنها نیازمند است و در این فصل با معرفی چند منبع مطالعاتـــی معتبر و معروف، والدین و مربیان را به الگوگیری از این منابع در زمینه‌های نامبرده شده دعوت می‌کنیم.

قابل ذکر اســـت که منابع نام برده فقط به عنوان فهرســـتی اجمالی از انبوه منابـــع مهم معرفتی، تربیتی، علمی و عملی اســـت که والدیـــن و مربیان عزیز می‌توانند ضمن برداشـــت‌های آزاد و منطقی و ســـلیقه‌ای از ســـایر کتاب‌های داخلی و خارجی، این کتاب‌ها را نیز به عنوان منابع اصلی و مطمئن شناخته و میزان صحت یا عدم صحت مفاهیم مطرح شده در سایر کتب بدانند.

پس از اشـــراف نسبی به مطالب این کتاب‌ها و شکل‌گیری ساختار پایه‌های فکری، می‌توان برای قالب‌گیری به ســـایر کتاب‌ها نیز مراجعه کرد و از لابه‌لای نظریات و سبک‌های مختلف تربیتی، مطالب مناسب را استخراج کرد.

۱-قرآن کریم/ترجمه آیه الله مکارم شیرازی.

۲-نهج‌البلاغه/ ترجمه محمد دشتی.

۳-صحیفه سجادیه/ ترجمه حسین انصاریان.

۴-مفاتیح الجنان/ مرحوم شیخ عباس قمی.

۵-تفسیر نمونه/ آیت‌ا... مکارم شیرازی.
۶-تفسیر نور/ محسن قرائتی.
۷-پیام قرآن/ آیت‌ا... مکارم شیرازی.
۸-میزان الحکمه/ محمدی ری‌شهری.
۹-تحف العقول/ترجمه احمد جنتی.
۱۰-اصول کافی/ترجمه صادق حسن‌زاده.
۱۱-قطـره‌ای از دریای فضایل اهل بیت(علیهم السـلام) / ترجمه محمدحسـین رحیمیان.
۱۲-مکیال المکارم/ ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی.
۱۳-دوستی در قرآن و حدیث/ محمدی ری‌شهری.
۱۴-آموزش عقاید/ آیت‌ا... مصباح یزدی.
۱۵-رسالهٔ توضیح المسایل مراجع عظام تقلید.
۱۶-آموزش احکام/ محمدحسین فلاح‌زاده.
۱۷-رساله جوان/ سیدصادق علوی.
۱۸-پند تاریخ/ موسی خسروی.
۱۹-کلیه کتاب‌ها و آثار استاد شهید مرتضی مطهری.
۲۰-کلیه کتاب‌ها و آثار مرحوم علی صفایی حائری.

در میان ایـن منابع، حتما می‌توان وصیت‌نامه مرحوم امام(رضـوان الله تعالی علیه)، زندگی‌نامه‌های شـهدا و متن فرمایشات مقام معظم رهبری(حفظه الله) را به عنوان الگوی مطالعاتی و رفتاری مناسب، اضافه نمود.

• فصل دهم

تست تربیتی (ویژهٔ والدین)

راهنمای تست

شـــما والدین عزیز می‌توانید در این بخش، بـــا علامت‌گذاری در گزینه‌های درست، نقطه‌های قوت و یا ضعف خود را در زمینه تربیت و ارتباط با کودک یا نوجوان بســـنجید. این تست، شروع خوبی است برای پررنگ کردن قوت‌ها و از بین بردن ضعف‌های تربیتی.

چـــون در این آزمون، امتحان گیرنده و امتحان شـــونده، هر دو خود شـــما هســـتید تصحیح این تســـت و بارم‌بندی آن به خود شـــما ســـپرده می‌شـــود و می‌توانید براساس انصاف و با ملاک‌های تربیتی ارایه شده در این کتاب به نوع تربیت و میزان فعالیت تربیتی خویش نمره مناسب دهید.

هر سئوال دارای پنج گزینه است که به ترتیب عبارتند از:

- **۰ بسیار ضعیف:** باید تحولی ایجاد شود
- **۱ ضعیف:** باید بسیار تلاش کنید.
- **۲ متوسط:** باید تقویت شود.
- **۳ خوب:** باید سعی کنید تا به عالی تبدیل شود.
- **۴ عالی:** باید تداوم یابد.

شما می‌توانید این تست را به صورت هفتگی، ماهیانه و یا سالانه از خود داشته باشید و حتی می‌توانید سئوالات دقیق‌تر و کاربردی‌تری که نسبت به فرزند خود به صورت مصداقی وجود دارد مانند الگوی ارایه شده در این بخش طراحی و از خود آزمون بگیرید.

سؤالات

۱- چند ساعت از روز را به تفکر پیرامون مسایل تربیتی فرزندتان اختصاص داده‌اید؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۲- چند کتاب در ارتباط با مسایل تربیتی کودک و نوجوان مطالعه کرده‌اید؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۳- چند ساعت از شبانه‌روز خود را به ارتباط مستقیم و عاطفی با فرزندتان می‌گذرانید؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۴- چند درصد از کارهای تربیتی شما سلیقه‌ای و با برداشت شخصی است؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۵- آیا برای تربیت فرزندانتان با مشاور و متخصص تربیتی در ارتباط هستید؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۶- چقدر در این زمینه با مشاور خود هماهنگی دارید؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۷- آیا در اتخاذ شیوه‌های تربیتی از آیات و روایات نیز بهره برده‌اید؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۸- در جهت دهی فرزندان نسبت به برداشت مناسب از رسانه‌ها و محتواهای رسانه‌ای چقدر موفق بوده‌اید؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۹- چقدر توانسته‌اید به خاطر تربیت فرزندان از خواسته‌های شخصی خود بگذرید و ایثار کنید؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۱۰- در راهنمایی کودکانتان برای کسب تجربه‌های جدید چقدر موثر بوده‌اید؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۱۱- مشکلات کاری شما چقدر در نوع برخوردتان با فرزند خویش دخالت داشته است؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۱۲- آیا تا به حال در نوع تربیت شما، رفاه اخلاقی بر رفاه مالی اولویت داشته است؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۱۳- فرزندتان چقدر شما را به عنوان الگو قبول دارد؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۱۴- آیا الگوی مناسبی برای فرزندتان در زمینه‌های اخلاقی و رفتاری هستید؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۱۵- در جهت دهی فرزندتان به سوی گرایش به دوستان خوب چقدر سهیم بوده‌اید؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۱۶- فعالیت خود را در امر آموزش فرزندتان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۱۷- میزان ارتباط و همکاری شما با مدرسه و معلمان فرزندتان چگونه است؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۱۸- در کنترل زیرکانه رفت و آمدها و ارتباطات فرزندتان چقدر موفق بوده‌اید؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۱۹-برای پاسخ به کنجکاوی‌های مربوط به سن بلوغ فرزندتان چقدر برنامه‌ریزی کرده‌اید؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۲۰- برای انتخاب تشکل مناسب، چقدر در افکار فرزند خویش سهیم هستید؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۲۱- فرزندتان چقدر شما را به عنوان حامی و پشتیبان خود قبول دارد؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۲۲- در خانواده شما تا چه اندازه، تقسیم‌بندی مسؤولیت‌های تربیتی مناسب بین پدر و مادر صورت گرفته است؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۲۳- میزان صبرتان در امر تربیت فرزندان چقدر است؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۲۴- فرزندانتان تا چه اندازه شما را در عمل به حرف‌ها و نصیحت‌هایتان موفق می‌بینند؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۲۵- در شیوه تربیتی خود چقدر به اصل تغافل پایبند بوده‌اید؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۲۶- آیا شنونده خوبی برای فرزندانتان هستید؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۲۷- در کشف علاقه‌های فرزند خویش تا چه اندازه موفق بوده‌اید؟

۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۲۸- چقدر در صحبت‌ها، رفتارها و تصمیمات خویش به علاقه‌های فرزندتان توجه دارید؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۲۹- آیا توانسته‌اید کیفیت فردی غالب در هرکدام از فرزندانتان را تشخیص بدهید؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۳۰- ابراز محبت‌های شما چقدر براساس کیفیت‌های فردی غالب در فرزندانتان است؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۳۱- در کسب تجربه‌های صحیح تربیتی چقدر موفق بوده‌اید؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۳۲- آیا با اصول مشاوره آشنایی دارید؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۳۳- در بازخواست قوانین حاکم در خانواده چقدر توانایی‌ها و استعدادهای فرزندان را در نظر گرفته‌اید؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۳۴- در تفویض مسؤولیت‌های خانه و خانواده به فرزندان خود چقدر تلاش کرده‌اید؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۳۵- آیا پس از سپردن مسؤولیت، فرزندانتان احساس شما به آنها را حس کرده‌اند؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۳۶- تنبیه‌های شما چقدر براساس اصول تربیتی بوده است؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۳۷- چه اندازه در درک احساسات فرزند خود موفق بوده‌اید؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۳۸- آیا شهامت گفتن «بلدنیستم» را دارید؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۳۹- برای آشنایی فرزندتان با تاریخ و عبرت‌های روزگار چقدر تلاش کرده‌اید؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۴۰- در بالابردن توانایی‌های فکری و مطالعاتی خود چقدر تلاش کرده‌اید؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۴۱- تا چه اندازه احترام فرزندتان را حفظ می‌کنید؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۴۲- در آموختن راه حل مشکلات اجتماعی به فرزندان چقدر تلاش نموده‌اید؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۴۳- چقدر در تشــویق فرزند خویش نســبت به خوبی‌های اخلاقی و دینی موثر بوده‌اید؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۴۴- در امور تربیتی، توسل شما به ائمه معصومین(علیهم السلام) چقدر است؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۴۵- در تربیت فرزندان، توکل شما به خداوند متعال تا چه اندازه است؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۴۶- تا چه اندازه خود را در ســاخت دنیایی آماده ظهور، ســهیم دانسته و تلاش کرده‌اید؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۴۷- چقدر دامنه نگاه تربیتی خویش را در جامعه وسعت داده‌اید؟
۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۴۸- اهــداف تربیتی شــما تا چــه اندازه با فصل اهــداف تربیتی این کتاب هم‌خوانی دارد؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۴۹- تا چه اندازه برای رســاندن پیام‌های تربیتی به فرزند خویش از منابع اصلی روایی بهره برده‌اید؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

۵۰- ایــن کتاب چقدر در پیشــرفت کار تربیتی شــما مفیــد و موثر بوده است؟ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰

گل سرخ:

ذهن فرزند شما باغچه است!

گل در آن باید کاشت...

ور نکاری گل سرخ،

علف هرز در آن می روید...!

زحمت کاشتن یک گل سرخ

کمتر از زحمت برداشتن یک علف است

پایان